

زیارت حضرت فاطمه زهرا علیہ السلام و روزگر کشنبه

عِنْدَ اللَّهِ ، وَمَنْزَلَتِهِ عِنْدَكُمْ ، وَبِحَقِّ ابْنِ عَمِّكَ رَسُولِ اللَّهِ ،
رسول خدا
و مقام خدا نزد شما،
وبحق پسر عمومیت

نzd خدا

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ .
وهمه درود وسلام فرستد.

که خدا بر او و خاندانش همد

زیارت حضرت فاطمه زهرا علیہ السلام و روزگر کشنبه

السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا مُمْتَحَنَةً، إِمْتَحَنَكِ [اللَّهُ] الَّذِي خَلَقَكِ، فَوَجَدَكِ
پس تورا به آنچه
آن که تورا آفرید آزمودت،
سلام بر توای آزموده شده،

إِلَّا امْتَحَنَكِ صَابِرَةً، أَنَا لَكِ مُصَدِّقٌ، صَابِرٌ عَلَى مَا آتَيْتِ بِهِ أَبُوكِ
من از صمیم قلب به تو ایمان دارم
وبر آنچه پدر بزرگوارت
ازمود شکیبا یافت،

وَوَصِيَّهُ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا، وَأَنَا أَسَأُلُوكِ إِنْ كُنْتُ صَدَّقْتُكِ
از آنجا که مؤمن به تو هستم
و جانشینش (درود خدا بر آن دو باد) آوردن بردبارم و از تو می خواهم

إِلَّا أَخْرَقْتِنِي بِتَصْدِيقِ لَهُمَا، لِتُسَرِّ نَفْسِي، فَاسْهَدْتِي أَنِّي
پس گواه باش که همانا من تنها
مرا به گروندگان آن دو ملحق سازی

ظَاهِرٌ بِوْلَاتِكِ، وَلِلَّا يَةٌ آلٌ بَيْتِكِ، صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ
پاک گشته
و ولایت اهل بیت (که درود خدا بر همه آنان باد)
به ولایت تو
و دلگرمم.

أَجْمَعِينَ .

زیارت حضرت زهرا علیہ السلام به روایتی دیگر: السَّلَامُ عَلَيْكِ

سلام بر تو

يَا مُمْتَحَنَةً، إِمْتَحَنَكِ الَّذِي خَلَقَكِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكِ، وَكُنْتِ
و در آن
آزمودت آن که تورا آفرید پیش از آفریدن در دنیا،
ای آزموده شده،

إِلَّا امْتَحَنَكِ بِهِ صَابِرَةً، وَنَحْنُ لَكِ أَوْلَاءُ مُصَدِّقُونَ، وَلِكُلِّ
و به همه
آزمون شکیبا بودی و ما دوستان
و تصدیق کنندگان توییم،

مَا آتَيْتِ بِهِ أَبُوكِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَآتَيْتِ بِهِ وَصِيَّهُ
و جانشینش
(درود خدا بر او و خاندانش باد)
آنچه پدر بزرگوارت

زیارت حضرت حسن علیه السلام در روز دوشنبه

عَلَيْهِ السَّلَامُ مُسَلِّمُونَ، وَنَحْنُ نَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ إِذْ كُنَّا مُصَدِّقِينَ

از تومی خواهیم

خدایا!

سرمی سپاریم

(درود بر او) آوردن

لَهُمْ، أَن تُلْحِقَنَا بِتَصْدِيقِنَا بِالدَّرَجَةِ الْعَالِيَّةِ، لِنُبَشِّرَ أَنفُسَنَا بِأَنَّا

از آن رو که تصدیق کنندگان آن بزرگواران بودیم ما را به خاطر این باور به درجه والا برسانی، تا خود را بشارت دهیم

قد طَهُرَنَا بِوَلَاتِهِمْ، عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

به ولایت آنان (درود بر آنان)

که پاک گشتیم

زیارت حضرت حسن علیه السلام در روز دوشنبه

روز دوشنبه روز امام حسن و امام حسین علیهم السلام است، در

زیارت حضرت امام حسن علیه السلام میگویی: **السلام علیک یابن**

ای فرزند سلام بر تو

رسول رب العالمین؛ السلام علیک یابن امیر المؤمنین؛

ای فرزند امیر مؤمنان، سلام بر تو

السلام علیک یابن فاطمه الزهراء؛ السلام علیک یا حبیب

ای فرزند فاطمه زهرا، سلام بر تو

الله؛ السلام علیک یا صفوۃ الله؛ السلام علیک یا امین الله؛

امین خدا، سلام بر توای برگزیده خدا،

السلام علیک یا حجۃ الله؛ السلام علیک یا نور الله؛ السلام

سلام بر توای برهان حکم خدا،

علیک یا صراط الله؛ السلام علیک یا بیان حکم الله؛ السلام

بر توای راه خدا، سلام بر توای بیان حکم خدا،

علیک یا ناصیر دین الله؛ السلام علیک ایها السید الزکی؛

سرور پاک نهاد، سلام بر توای یار دین خدا،

السلام علیک ایها البر الوفی؛ السلام علیک ایها القائم

ای قیام کننده سلام بر تو

زیارت حضرت حسین علیه السلام در روز دوشنبه

الْأَمِينُ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَالَمُ بِالتَّأْوِيلِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

سلام بر توای

به تأویل،

سلام بر توای آگاه

امین،

الْهَادِيُّ الْمَهْدِيُّ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الطَّاهِرُ الزَّكِيُّ ؛ السَّلَامُ

سلام

پاک و پاکیزه،

سلام بر توای

راهنمای راه یافته،

عَلَيْكَ أَيُّهَا التَّقِيُّ النَّقِيُّ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحَقُّ الْحَقِيقُ ؛ السَّلَامُ

سلام

سلام بر توای حقیقت راستین و آشکار،

بر توای پرهیزگار پاکدامن.

عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ الصِّدِيقُ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ

ای ابا محمد

سلام بر تو

شهید راست کردار

بر توای

الْحَسَنَ بْنَ عَلَيٍّ ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَّ كَاتِهُ .

ورحمت و برکات خدا بر تو باد.

حسن بن علی،

زیارت حضرت حسین علیه السلام در روز دوشنبه

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ

ای فرزند امیر

سلام بر تو

ای فرزند رسول خدا،

سلام بر تو

الْمُؤْمِنِينَ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدَ نِسَاءِ الْعَالَمَيْنَ ؛ أَشَهَدُ أَنَّكَ

گواهی می دهم که تو

سلام بر تو ای فرزند سرور زنان جهانیان،

مؤمنان،

أَقْمَتَ الصَّلَاةَ ، وَأَتَيْتَ الزَّكَةَ ، وَأَمْرَتَ بِالْمَعْرُوفِ ، وَنَهَيْتَ عَنِ

ونهی از

و امر به معروف

وزکات را پرداختی،

نماز را پا داشتی،

الْمُنْكَرِ ، وَعَبَدَتَ اللَّهَ مُخْلِصًا ، وَجَاهَدَتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ ،

و در راه خدا به نحو شایسته به جهاد

و خدارا خالصانه عبادت کر دی

منکر نمودی،

حَتَّىٰ أَتَاكَ الْيَقِينُ ، فَعَلَيْكَ السَّلَامُ مِنِّي مَا بَقِيَتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ

و تاشب

از من بر تو سلام تا هستم

برخاستی

تامرگ تو را در بر گرفت،

وَالنَّهَارُ ، وَعَلَىٰ أَلٰلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ ؛ أَتَا يَا مَوْلَايَ

ای مولای من،

و سلام بر خاندان

وروز باقی است

مَوْلَىٰ لَكَ وَلِآلِ بَيْتِكَ ، سَلَمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ ، وَحَرَبٌ لِمَنْ

در صلح با آن که با شما در صلح است،

در جنگم با آن که با شما در

من دل

بسته تو و خاندان تو هستم،

زیارت حضرت زین العابدین و حضرت باقر و حضرت صادق علیهم السلام در روزه شنبه

حَارَبَكُمْ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَجَاهِرِكُمْ، وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ؛

من به نهان و آشکار جنگ است، و ظاهر و باطن شما ایمان دارم،

لَعْنَ اللَّهِ أَعْدَاءَكُمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالآخِرِينَ، وَأَنَا أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى

لعنت خدا بر دشمناتان من از آنان به سوی خدا بیزاری می جویم، از گذشتگان و آیندگان،

إِنَّمَّا يَا مَوْلَايَ يَا أَبا مُحَمَّدٍ، يَا مَوْلَايَ يَا أَبا عَبْدِ اللَّهِ، هُذَا يَوْمٌ
امروز روز دوشنیه است و روز شما ای مولای من ای ابا محمد، ای سورور من ای ابا عبد الله،

الْاثَّنَيْنِ، وَهُوَ يَوْمُكُمَا وَبِاسِمِكُمَا، وَأَنَا فِيهِ ضَيْفُكُمَا،
ومن در این روز مهمان شما هستم، پذیرای من باشد

فَاضِيفَانِي وَاحِسِنَا ضِيَافَتِي، فَنِعَمَ مَنِ اسْتُضِيفَ بِهِ أَنْتُمَا، وَأَنَا
چه خوشبخت میهمانی است آن که شما میزبانش باشید، دو بزرگوار و به نام شماست

فِيهِ مِنْ جِوارِكُمَا فَاجِرَانِي، فَإِنَّكُمَا مَا مُورَانِ بِالضِيَافَةِ
ومن در این روز از پناهندگان به شمایم، پس مرا پناه دهید، به یقین شما از سوی خدا مأمور به پذیرایی نمودن

وَالْإِجَارَةِ، فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمَا وَآلِكُمَا الطَّيِّبِينَ.

خدا بر شما و خاندان پاکتان درود فرستد. و پناه دادنید،

زیارت حضرت زین العابدین و حضرت باقر و حضرت صادق علیهم السلام در روزه شنبه

روز سه شنبه به نام حضرت زین العابدین و حضرت باقر

و حضرت صادق علیهم السلام است. زیارت کن ایشان را در این روز به

این زیارت:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا خُزَانَ عِلْمِ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا تَرَاجِمَةَ وَحِي

سلام بر شما ای خزانه داران علم خدا، ای مفسران وحی

اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أئِمَّةَ الْهُدَى؛ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَعْلَامَ

سلام بر شما ای نشانه های خدا، ای پیشوایان هدایت، سلام بر شما

زیارت حضرت کاظم حضرت صادق حضرت جواد حضرت زیدی در روز چهارشنبه

الْتَّقَىٰ؛ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلَادَ رَسُولِ اللَّهِ، أَنَا عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ،

من به حق شما دان، ای فرزندان رسول خدا سلام بر شما پارسایی،

مُسْتَبْصِرٌ بِشَائِنَكُمْ، مُعَادٍ لِأَعْدَائِكُمْ، مُوَالٍ لِأَوْلَائِكُمْ؛ يَا بَنِي آنَتُمْ

پدر و با دشمنان دشمن، و به مقام شما بینایم

وَأَمَّىٰ، صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَالٰى آخِرَهُمْ كَمَا

من دوست دارم آخرین اینان خدایا! درودهای خدا بر شما باد.

تَوَالَّيْتُ أَوَّلَهُمْ، وَأَبْرَأْمِنْ كُلَّ وَلِيَةٍ دُونَهُمْ، وَأَكْفُرُ

واز هر صفتندی در برابر ایشان بیزاری می جویم راچنان که دوست داشتم اولینشان را،

بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ الْلَّاتِ وَ الْعُزَّى؛ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

ای سروران من، و به جبیت و طاغوت

يَا مَوَالِيٰ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَّ كَاتِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْعَابِدِينَ،

ای سرور عابدان، درودهای خدا و رحمت و برکاتش بر شما باد، سلام بر تو

وَسُلَالَةُ الْوَصِيَّينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَاقِرَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ .

داشن پیامبران، وزبده جانشینان، سلام بر توای شکافنده

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَادِقًا مُصَدَّقًا فِي الْقَوْلِ وَالْفِعْلِ . يَا مَوَالِيٰ

ای سروران من، سلام بر توای راستگوی پذیرفته در گفتار و کردار،

هَذَا يَوْمُكُمْ، وَهُوَ يَوْمُ الثَّلَاثَاءِ، وَأَنَا فِيهِ ضَيْفُ لَكُمْ

و من در این روز میهمان شما سه شنبه روز شماست امروز روز

وَمُسْتَجِيرٌ بِكُمْ، فَاضْعِيفُونِي وَأَجِرُونِي، بِعَنْزِلَةِ اللَّهِ عِنْدَكُمْ

و پناهنه به شمایم، پذیرای من باشید و پناهم دهید، به حق مقام خدا نزد شما

وَآلِ بَيْتِكُمْ، الظَّبِيبَنَ الطَّاهِرِينَ .

باکیزه و پاکتان، و اهل بیت

زیارت حضرت کاظم حضرت صادق حضرت جواد حضرت زیدی در روز چهارشنبه

روز چهارشنبه به نام حضرت موسی بن جعفر و حضرت

زیارت حضرت کاظم و حضرت صادق و حضرت عواد و حضرت هادی علیهم السلام

رضا و حضرت جواد و حضرت هادی علیهم السلام است. در

زیارت آن بزرگواران بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا حُجَّاجَ اللَّهِ؛

سلام بر شما ای حجتهای خدا، ای دوستان خدا.

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ،

سلام بر شما ای نور خدا در تاریکیهای زمین، ای نور خدا بر شما.

صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى آلِ بَيْتِكُمْ، الطَّبِيعَنَ الطَّاهِرِينَ؛

درودهای خدا بر شما و پاکیزه پیر خاندان پاکیزه.

بِأَبِي أَنْثُوْ وَأُمِّيْ، لَقَدْ عَبَدْتُمُ اللَّهَ مُخْلِصِينَ، وَجَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ

پدر و مادرم فدایتان، به راستی خدا را خالصانه پرستیدید و در راه خدا.

حَقَّ جِهَادِهِ، حَتَّىٰ أَتَاكُمُ الْيَقِينُ؛ فَلَعْنَ اللَّهُ أَعْدَاءَكُمْ، مِنْ

آنچنان که شایسته بود جهاد نمودید لعنت خدا بر دشمنان از تامرس شمارادربر گرفت.

الْجِنِّ وَالإِنْسِ أَجْمَعِينَ، وَأَنَا أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ . يَا

تمام بربان و آدمیان، من به سوی خدا و به سوی شما از دشمنان بیزاری می جویم، ای

مَوْلَائِيْ يَا أَبَا إِبْرَاهِيمَ مُوسَى بنَ جَعْفَرٍ، يَا مَوْلَائِيْ يَا أَبَا الْحَسَنِ

سرور من يا ابا ابراهیم موسی بن جعفر، يا ابا الحسن ای سرور من.

عَلِيَّ بنَ مُوسَى، يَا مَوْلَائِيْ يَا أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بنَ عَلِيٍّ، يَا

علی بن موسی، ای سرور من ای ابا جعفر محمد بن علی، ای

مَوْلَائِيْ يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بنَ مُحَمَّدٍ، أَنَا مَوْلَى لَكُمْ، مُؤْمِنٌ

سرور من يا ابا الحسن علی بن محمد، من دل بسته شما هستم، ایمان دارم.

بِسْرَكُ وَجَهْرِكُ، مُتَضَيِّفُ بِكُمْ فِي يَوْمِكُمْ هَذَا، وَهُوَ يَوْمُ

به نهان و آشکار شما، در این روز شما که روز چهارشنبه است از شما در خواست پذیرایی

الْأَرْبَاعِ، وَمُسْتَجِيرُكُمْ، فَاضْيِفُونِي وَاجِرُونِي بِآلِ بَيْتِكُمْ،

دارم، و به بارگاه شما پناه می جویم، پس مرا پذیرا باشید و پناهم دهید، به حق خاندان

الطَّبِیْبُ الْمَطَّاهِرُ

پاکستان.

زیارت حضرت امام حسن عسکری علیہ السلام در روز پنجم شنبه

روز پنجم شنبه به نام حضرت عسکری علیہ السلام است. در زیارت آن حضرت بگو:

السلامُ عَلَيْكَ يَا وَلَيَّ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ
سلام بر تو ای ولی خدا، ای حجت حق و بنده

وَخَالِصَتَهُ الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثَ الْمُرْسَلِينَ،
سلام بر توای پاک خدا، پیشوای مؤمنان، وارث پیامبران،

وَحُجَّةَ رَبِّ الْعَالَمِينَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ، الطَّبِیْبَ
درود خدا بر تو و اهل بیت پاکیزه، و برہان محکم پروردگار جهانیان،

الطَّاهِرِینَ؛ يَا مَوْلَائِيَ يَا أَبَا مُحَمَّدِ الْحَسَنَ بْنَ عَلَيٍّ، أَنَا مَوْلَى لَكَ
اویس ای سرور من یا ابا محمد حسن بن علی، من دل بسته تو و پاکت باد،

وَلَا لِ بَيْتِكَ، وَهُذَا يَوْمُكَ، وَهُوَ يَوْمُ الْخَمِيسِ، وَأَنَا ضَيْفُكَ
اویس این روز روز پنجم شنبه و روز توسط و من در آن میهمان

فِيهِ وَمُسْتَجِيرُ بِكَ فِيهِ، فَأَحَسِنْ صِيَافَتِي وَإِجَارَتِي، بِحَقِّ آلِ
پس به نیکی پذیرایم باش و پناهنده به توام، به حق و پناهم ده

بَيْتِكَ الطَّبِیْبَ الْمَطَّاهِرَ.
خاندان پاکیزه و پاک.

زیارت حضرت صاحب الزمان در روز پنجم

جمعه روز حضرت صاحب الزمان (عج) و بنام آن حضرت

زیارت حضرت صاحب الزمان ع در روز جمعه

است و همان روزی است که ایشان در آن روز ظهرور

خواهد فرمود... بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللَّهِ

سلام بر توای دیده خدا حجت خدا در زمینش، سلام بر توای

فِي خَلْقِهِ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدِي بِهِ الْمُهَتَّدُونَ،

در میان مخلوقاتش، سلام بر تو ای نور خدا که رهジョیان به آن نوره می‌یابند

وَيُفَرِّجْ بِهِ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَهْذَبُ الْخَائِفُ؛

سلام بی تو ای پاکنهاد و ای هر اسان از آشوب دو، از، و یه آن نور از مؤمنان، اندوه و غم زدوده می شود،

السلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ النَّاصِحُ؛ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةً

سلام ب ته ای همراه خبر خواه، سلام ب ته ای کشته

النّجاةِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ الْحَيَاةِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ، صَلَّى اللَّهُ

نحوت، سلام ب ته، ای حشمہ حیات، سلام ب ته، د و د خدا

عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ، الطَّيِّبَيْنَ الطَّاهِرِينَ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ،

بر تنو و بـ خاندان باکیزه و باکت، سلام بر ته، خدا

عَجَّلَ اللَّهُ لَكَ مَا وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَظُهُورَ الْأَمْرِ؛ السَّلَامُ

د. تحقیق و مدداء، کوه به ته داده از نصت و ظاهرو امتحان شتاب فرماید، سلام

عَلَيْكَ يَا مَوْلَانِي ، أَنَّا مَوْلَانِي ، عَارِفٌ يَا وَلَاءَكَ وَأَخْرَاكَ ؛ أَتَقَبَّلُ

جَنَاحَةٌ مُّلْكِيَّةٌ وَمُؤْمِنَةٌ بِالْمُسْلِمِينَ

بر تو ای مولای من،
من دل بسته تو و آگاه به شان دنیا و آخرت توام،
و به دوستی

اللَّهُ تَعَالَى يَكُونُ بِكُمْ وَبِإِيمَانِكُمْ، وَأَنْتُمْ تَرَوُنَ الظَّاهِرَاتِ، وَأَنْتُمْ لَا تَرَوُنِي

Í - = 8 2 - = 8 - 3 - = 8 - 4 - = 8 -

بِهِ دُسْتْ تَوْاَنْتَلَارْ مِيْ كَشْم، وَازْ خَدَا درْ خَواستْ مِيْ كَم
بَرْ مُحَمَّدْ وَخَانَدانْ مُحَمَّدْ درُودْ فَرْسَتَدْ وَ عَلَى يَدِيْكَ، وَاسْالَ اللَّهَ اَنْ يَصْلِيْ عَلَى مُحَمَّدْ وَآلِ مُحَمَّدْ، وَان

۱۰۷-۱۰۸-۱۰۹-۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲

يَجْعَلُنِي مِنَ الْمُتَنْتَظِرِينَ لَكَ، وَالْتَّابِعِينَ وَالنَّاصِرِينَ لَكَ عَلَىٰ

مراز منتظران و پیروان و یاوران تو در برابر

زیارت حضرت صاحب الزمان در روز جمعه

اعدائِلَكَ، وَالْمُسْتَشَدِينَ بَيْنَ يَدَيْكَ فِي جُمْلَةِ أَوْلِيائِكَ.

در شمار شیفتگان قرار دهد،

واز شهدا در آستانت

دشمنات

يا مولاي يا صاحب الزمان، صلوات الله علیک وعلی آل

بر تو و بر

درودهای خدا

ای صاحب زمان،

ای سرور من،

بیتِک، هذا یوم الجموعة، و هو یوم کی المتوقع فیه ظهورک،

که ظهورت

وروز توست روزی

امروز روز جمعه

خاندانات،

والفرح فیه لمؤمنین علی یدیک، وقتل الکافرین بسیفک،

کافران به سلاحت امید می رود

ایمان به دستت در آن روز و کشتن

و گشایش کار اهل

وانا يا مولاي فیه ضیفک و جارلک، وانت يا مولاي کریم من

در این روز میهمان و پناهنده به توام

و توای مولای من بزرگواری از

و من ای آقای من

أولاد الكرام، و مأمور بالضيافة والإجارة، فاضيفني

واز سوی خدا به پذیرایی و پناهدهی مأموری،

پس مرا پذیرا باش

فرزندان بزرگواران

وأجرني، صلوات الله علیک، و علی أهل بيتك الطاهرين.

و خاندان پاکیزهات.

درودهای خدا بر تو

و پناه ده،

سید ابن طاووس فرموده: من پس از این زیارت به این

شعر تمثیل می جویم و به آن حضرت اشاره نموده، می گوییم:

نَزِيلُكَ حَيْثُمَا التَّجَهَّتِ رِكَابِي وَضَيْفُكَ حَيْثُ كُنْتُ مِنَ الْإِلَادِ

ای صاحب الزمان

من میهمان توام

وبر سر هر خوان

در هر کجا

دُعَامِي صَبَّاح

فصل ششم: در بیان بعضی از دُعَاء های مشهور

«دُعَامِي صَبَّاحٍ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

اللَّهُمَّ يَا مَنْ دَلَعَ لِسَانَ الصَّبَاحِ بِنُطْقِ تَبْلِجِهِ، وَ سَرَّحَ قِطْعَةَ زبان صبح را به گویایی تابش

خدایا، ای آن که روشناپی اش برآورد، و قطعه های

اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ بِغَيَاهِبِ تَلْجُلِجِهِ، وَ أَتَقَنَ صُنْعَ الْفَلَكِ الدَّوَّارِ فِي شب تار را با تیرگیهای شدید

به هم پیچیده اش به اطراف جهان فرستاد، و ساختمان سپهر گردون را در

مَقَادِيرِ تَبَرُّجِهِ، وَ شَعْشَعَ ضِيَاءِ الشَّمْسِ بِنُورِ تَأْجُجِهِ . يَا مَنْ اندازهای زیباییش محکم نمود،

در همه جا پرتو خورشید را به روشناپی شعله ورش

دَلَّ عَلَى ذَاتِهِ بِذَاتِهِ، وَ تَزَهَّدَ عَنْ مُجَانَسَةِ مَخْلُوقَاتِهِ، وَ جَلَّ عنْ با آفریدگانش منزه است و شأنش

برافروزد، ای آن که بر ذاتش دلیل است

واز شباهت و هم گونگی از سازگاری با کیفیات

مُلَائِمَةٌ كَيْفِيَّاتِهِ؛ يَا مَنْ قَرُبَ مِنْ خَطَرَاتِ الظُّنُونِ، وَ بَعْدَ

ای آن که به باورهای گذرا بر مخلوقاتش برتر است،

دل نزدیک و از چشم انداز دیدگان سر دور است،

و آنچه را هستی یافت پیش از آنکه پدید آید می داند، ای آن

عَنْ لَحَظَاتِ الْعُيُونِ، وَ عَلِمَ بِمَا كَانَ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ؛ يَا مَنْ

که در گاهواره

مرا و به جانب آنچه از نعمتمندی خوبیانید

مِنْنِيهِ وَ احْسَانِهِ، وَ كَفَ أَكْفَ السَّوْءِ عَنِ بَيْدِهِ وَ سُلْطَانِهِ، صَلَّ

واحسانش که بی دریغ به من بخشید بیدارم کرد و دستهای حوادث و آفات را بادست لطف و قدرتش از من بازداشت.

اللَّهُمَّ عَلَى الدَّلِيلِ إِلَيْكَ فِي الْلَّيْلِ الْأَلَيْلِ، وَ الْمَاسِكِ مِنْ أَسْبَابِكَ

خدایا، درود فرست به آن راهنمایی به سویت

بِحَبْلِ الشَّرْفِ الْأَطْوَلِ، وَ النَّاصِعِ الْحَسَبِ فِي ذِرْوَةِ الْكَاهِلِ

از میان رسما نهایت به بلندترین رشته شرف و آن دارنده

حسب پاک و ناب که برگرد استوارترین روش شرافت

دُعَامِي صَبَّاح

الْأَعْبَلُ، وَالثَّابِتُ الْقَدَمُ عَلَى زَحَالِيفِهَا فِي الرَّزْمَنِ الْأَوَّلِ، وَعَلَى

قرار دارد، و آن ثابت قدم در لغزشگاههای دوران پیش از بعثت، و نیز بر

اللهِ الْأَخْيَارِ الْمُصْطَفَيَنَ الْأَبْرَارِ؛ وَافْتَحْ اللَّهُمَّ لَنَا مَصَارِعَ

خاندان او که بهترین انتخاب شدگان و برگزیدگان و نیکانند.

الصَّبَّاحُ، بِمَفَاتِيحِ الرَّحْمَةِ وَالْفَلَاحِ، وَإِسْنَى اللَّهُمَّ مِنْ

كليدهاي رحمت و رستگاري به روی ما بگشا، و بر من از بهترین لباسهای

أَفْضَلِ خَلْعِ الْهِدَايَةِ وَالصَّلَاحِ، وَأَغْرِسِ اللَّهُمَّ بِعَظَمَتِكَ فِي

به عظمت در آشخور قلبم و صلاح بپوشان، هدایت

شِربِ جَنَانِيَّ يَنَابِيعَ الْخُشُوعِ، وَأَجْرِ اللَّهُمَّ لِهِبَيْتَكَ مِنْ آمَاقِ

چشمهاي از گوشهاي فروتنی را بجوشان، و در برابر هيبيت

زَفَرَاتِ الدُّمُوعِ، وَأَدِيبِ اللَّهُمَّ نَزَقَ الْخُرُقَ مِنْيَ بِازِمَّةِ الْقُنُوعِ.

و مرآز بی پرواپی و نادانی به مهارهای قناعت و خواری ادب فرما، دیدگانم رودهای اشک سوزان جاری ساز،

إِلَهِي إِنْ لَمْ تَبَدِّلْنِي الرَّحْمَةُ مِنْكَ بِحُسْنِ التَّوْفِيقِ، فَمَنْ

خدایا اگر رحمت تو با توفیق نیکو

السَّالِكُ بِإِلَيْكَ فِي وَاضِحِ الْطَّرِيقِ، وَإِنْ أَسْلَمْتَنِي أَنَّا تُكَ

رهنمای من به سویت و اگر مهلت مرا

لِقَائِدِ الْأَمَلِ وَالْمُنْتَنِي، فَمَنْ الْمُقْيِلُ عَثَرَاتِي مِنْ كَبَوَاتِ الْهَوَىِ،

تسليم آمال و آرزوهای باطل کند آنگاه چه کسی لغزشهايم را از فروافتادن در هوای نفس جبران می کند؟

وَإِنْ خَذَلَنِي نَصْرُكَ عِنْدَ مُحَارَبَةِ النَّفِسِ وَالشَّيْطَانِ، فَقَدْ

واگر به هنگام جنگ مرا و آگذار این با نفس و شیطان باریت

وَكَلَّنِي خَذَلَنِي إِلَى حَيْثُ النَّصَبِ وَالْحِرْمَانِ . إِلَهِي أَتَرَانِي

باری نکردند مرا در آغوش رنج و محرومیت اندازد.

مَا أَتَيْتُكَ إِلَّا مِنْ حَيْثُ الْأَمَالِ، أَمْ عَلِقْتُ بِأَطْرَافِ حِبَالِكَ

می بینی که به پیشگاهت نیامدم مگر از جهتی که نسبت به رحمت آرزوها داشتم،

إِلَّا حِينَ بَاعَدَتْنِي ذُنُوبِي عَنْ دَارِ الْوِصَالِ، فَبَئْسَ الْمِطِيَّةُ الَّتِي

رشته استوارت مگر آنگاه که گناهانم مرا از خانه وصال تو دور ساخت،

پس چه بد مرکبی است

دُعَامِي صَبَاح

امْتَطَّتْ نَفْسِي مِنْ هَوَاهَا ، فَوَاهًا لَهَا لَمَا سَوَّلَتْ لَهَا ظُنُونُهَا

واى بر اين نفس که گمانهای بی مورد
مرکب خواسته‌های باطل که نفسم بر آن سوار شده.

وَمُنَاهَا ، وَتَبَّأَ لَهَا لِجُرْأَتِهَا عَلَى سَيِّدِهَا وَمَوْلَاهَا . إِلَهِ قَرَعْتُ

و آرزوهای نابجایش با همه زشتی در برابرش زیبا جلوه کرده! و مرگ براو که سرور و مولایش جرأت نموده! خدایا با

بَابَ رَحْمَتِكَ بِيَدِ رَجَائِي ، وَهَرَبَتُ إِلَيْكَ لَاجِئًا مِنْ فَرَطِ

دست اميد در رحمت را کوبیدم واز کثرت هوسرانی ام به پناهندگی به سویت گریختم

أَهْوَائِ ، وَعَلَقْتُ بِأَطْرَافِ حِبَالِكَ أَنَامِلَ وَلَائِي ، فَاصْفَحَ

محبتمن را ویختم رسنه استوارت انگشتان و به کناره‌های

اللَّهُمَّ عَمَّا كُنْتُ (كان) أَجَرْمَتُهُ مِنْ زَلَلِي وَخَطَائِي ، وَأَقْلَنِي

بار خدایا از انچه در گذشته مرتكب شدم، از لغزش و خطایم چشم بوسی کن

مِنْ صَرْعَةِ رِدَائِي ، فَإِنَّكَ سَيِّدِي وَمَوْلَائِي ، وَمُعْتَمَدِي

به جامه تنگ گناه رهایم ساز و پشتیبان و اميد من،

وَرَجَائِي ، وَأَنَتَ غَايَةُ مَطْلُوبِي ، وَمُنَايَ فِي مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ .

در دنیا و آخرت، و آرزوی من، و تویی منتهای خواسته

إِلَهِي كَيْفَ تَطَرُّدُ مِسْكِينًا التَّجَأَ إِلَيْكَ مِنَ الذُّنُوبِ هارِبًا؟! أَمْ

خدای من چسان درمانده ای را که در حال گریز از گناهان خویش به تو پناه جسته از خود می رانی؟ یا

كَيْفَ تُخَيِّبُ مُسْتَرِشِدًا قَصَدَ إِلَى جَنَابِكَ سَاعِيًّا (صَاقِبًا)؟! أَمْ

چگونه ره giovi را که شتابان قصد آستانت نموده چنانید می کنی؟ یا

كَيْفَ تَرُدُّ ظَمَانَ وَرَدَ إِلَى حِيَاضِكَ شَارِبًا؟! كَلَّا ، وَحِيَاضُكَ

چگونه تشنهای را باز می گردانی البته که چنین که وارد حوضهای شده،

مُتَرَعَّةٌ فِي ضَنَكِ الْمُحْوَلِ ، وَبَابِكَ مَفْتُوحٌ لِلْطَّلْبِ وَالْوُغْولِ ،

نخواهی کرد زیرا حوضهای رحمت در سخت ترین خشک سالهای لبریز و درگاه لطف

وَأَنَتَ غَايَةُ الْمَسْؤُولِ (السَّوْولِ) ، وَنَهَايَةُ الْمَأْمُولِ . إِلَهِ هَذِهِ

همواره برای درخواست و وارد شدن باز است، خدای من این تویی منتهای خواسته و نهایت آرزو.

أَزِمَّةُ نَفْسِي عَقْلَتُهَا بِعِقَالِ مَشِيَّتِكَ ، وَهَذِهِ أَعْبَاءُ ذُنُوبِي دَرَأَتْهَا

مهار نفس من است که به پاییند مشیت بستم، و این بارهای سنتی گناهان من است که به پیشگاه

دُعَامِي صَبْرَاج

بِعَفْوِكَ وَرَحْمَتِكَ ، وَهُذِهِ أَهْوَافُ الْمُضِلَّةِ وَكُلُّهَا إِلَى جَنَابِ
من است که به درگاه
واین هوسهای گمراه کننده
غفو و رحمت اند اختم،

لُطْفِكَ وَرَأْفَاتِكَ؛ فَاجْعَلِ اللَّهُمَّ صَبَاحِي هَذَا نَازِلًا عَلَىَّ
این صبح مرا آنکونه آغاز کن که با
بار خدایا!
لطف و مهرت واگذاشتمن.

بِصِيَاءِ الْهُدِيٍّ ، وَبِالسَّلَامَةِ (وَالسَّلَامَةِ) فِي الدِّينِ وَالدُّنْيَا ،
دین و دنیا همراه باشد
و بسلامت
پرتو هدایت

وَمَسَائِيْ جُنَاحَةَ مِنْ كَيْدِ الْعِدَاءِ ، وَوِقَايَةً مِنْ مُرْدِيَاتِ
از هلاکتهای
دشمنان و نگاهبانی گردان
و شب راسپری ساز از نیرنگ

الْهَوَىٰ ؛ إِنَّكَ قَادِرٌ عَلَىٰ مَا تَشَاءُ ؛ تُؤْتِي الْمَلَكَ مَنْ تَشَاءُ ، وَتَنْزِعُ
هوای نفس، که به یقین تو به هر چه بخواهی تو نایابی،
فرمانروایی را به هر که بخواهی عنایت می کنی،

الْمَلَكَ مِنَ تَشَاءُ ، وَتَعْزِيزٌ مِنْ تَشَاءُ ، وَتُذْلِيلٌ مِنْ تَشَاءُ ؛ بِيَدِكَ الْخَيْرُ؛
واز هر که بخواهی باز می ستانی، و هر که بخواهی عزت می بخشی، و هر که اراده کنی به ذلت می نشانی، خوبی بدست

إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ تَوْلِي اللَّيلَ فِي النَّهَارِ ، وَتَوْلِي النَّهَارَ فِي
توست، همانا
شب را در روز درمی آوری،
روز رادر

اللَّيلِ ، وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ ، وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ ،
از زنده،
زنده را ز مرده بیرون می آوری،
شب،
ومرده را

وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، سُبْحَانَكَ
و هر که را بخواهی
معبدی جز تو نیست.
بی حساب روزی می دهی.

اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ ، مَنْ ذَا يَعْرِفُ قَدْرَكَ فَلَا يَخَافُكَ ، وَمَنْ ذَا
بار خدایا! تنها تورا منزه می دارم و سپاس و ستایش می گویم، کیست که قدر تورا بشناسد و از مقام تو نترسد؟ و کیست

يَعْلَمُ مَا أَنْتَ فَلَامِيْهِا بِكَ ، الَّفَتَ بِقُدْرَاتِكَ الْفِرَقَ ، وَفَلَقَتَ
الفت بخشیدی و با
باقدرت خود پراکنده را
که بداند تو کیستی آنگاه از تو نهار است؟

بِلُطْفِكَ الْفَلَقَ ، وَأَنْزَتَ بِكَرَمِكَ دَيَاجِيَ الغَسَقِ ، وَأَنْهَرَتَ الْمِيَاهَ
و با کرم تاریکیهای شب را روشن نمودی،
و آبهای شیرین
مهربانیت سپیدهدم را شکافتنی

مِنَ الصُّمِّ الصَّيَاخِيدِ عَذْبًا وَأُجَاجًا ، وَأَنْزَلَتَ مِنَ الْمُعْصِرَاتِ
و خارا جاری کردی و از ابرهای گران
سنگهای سخت
و شور را از دل

دُعَائِي صَبَّاح

مَاءٌ نَجَاجًا ، وَجَعَلَتِ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لِلْبَرِيَّةِ سِرَاجًا وَهَاجًا ،

چراغی فروزان قرار دادی،

و خورشید و ماه را برای مردمان

بارانی فراوان فرو ریختی

مِنْ غَيْرِ أَنْ تُمَارِسَ فِيمَا ابْتَدَأْتَ بِهِ لُغُوبًا وَلَا عِلَاجًا؛ فَيَا مَنْ

و چاره جویی شوی ای

دچار خستگی و ناتوانی

بی آنکه در آنچه آغازگر پیدایشش بودی

تَوَحَّدَ بِالْعِزَّةِ وَالْبَقَاءِ ، وَقَهَرَ عِبَادَهُ بِالْمَوْتِ وَالْفَنَاءِ ، صَلَّى عَلَى

و بندگانش را به مرگ و فنا مقهور خود ساخته است، درود فرست بر

آن که در عزت و بقا یگانه است

مُحَمَّدٌ وَآلِهِ الْأَتِقِيَاءِ ، وَاسْمَعْ نِدَائِي ، وَاسْتَجِبْ دُعَائِي ، وَحَقِّ

و دعایم را جابت گو، و به

وندای مرا بشنو،

محمد و خاندان پرهیزگارش

بِفَضْلِكَ أَمْلَى وَرَجَائِي ؛ يَا خَيْرَ مَنْ دُعِيَ لِكَشْفِ الضُّرِّ ،

ای بهترین کسی که برای برطرف ساختن هر بدهالی خوانده

فضل خود آرزو و امید را محقق فرما،

وَالْمَأْمُولُ لِكُلِّ (فِي كُلِّ) عُسْرٍ وَيُسْرٍ ، يِلَّا أَنْزَلْتُ حَاجَتِي ،

نیازم را به پیشگاه تو فرود آوردم،

و آسانی آرزو شدی،

و برای هر سختی

فَلَا تَرْدَنَّ مِنْ سَنِّي [بَابِ] مَوَاهِبِكَ خَائِبًا ؛ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا

ای بزرگوار، ای بزرگوار، ای

بلندپایه خود نامیدانه ردم مکن

پس از موهبتها

كَرِيمُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرَحَمَ الرَّاحِمِينَ ؛ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ

بر بهترین

و درود خدا

بزرگوار، به رحمت ای مهربان ترین مهربانان

خَلِيقِهِ مُحَمَّدٌ وَآلِهِ أَجَمَعِينَ . آنگاه به سجده رود و بگوید:

واهل بیت او همه

آفریده اش محمد

إِلَهِي قَلْبِي مَحْجُوبٌ ، وَنَفْسِي مَعِيوبٌ ، وَعَقْلِي مَغْلُوبٌ ،

و جانم دچار کاستی گشته و عقلم مغلوب

دلم در پرده های ظلمت پوشیده شده

خدای من،

وَهَوَانِي غَالِبٌ ، وَطَاعَتِي قَلِيلٌ ، وَمَعْصِيَتِي كَثِيرٌ ،

و طاعتم اندک، و نافرمانیم بسیار،

و هوای نفسم بر من چیره آمده،

هوای نفسم شده

وَلِسَانِي مُقِرٌّ بِالذُّنُوبِ ، فَكَيْفَ حِيلَتِي يَا سَتَّارَ الْعُيُوبِ ،

ای پرده پوش عیبهها،

چاره من چیست

به گناهان است،

و زبانم اقرار کننده

وَيَا عَلَّامَ الْغُيُوبِ ، وَيَا كَافِ الشُّكُورِ ؟ إِغْفِرْ ذُنُوبِي

همه گناهان مرا بیامز،

ای برطرف کننده غمها،

ای دانای نهان ها،

دُعَائِيْكَسِيلِ بنِ يَادِ

كُلُّهَا، بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ؛ يَا غَفَّارُ يَا غَفَّارُ؛

ای آمرزنده، ای آمرزنده، ای آمرزنده

و خاندان محمد،

به احترام محمد

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ای مهریان ترین مهریان.

به مهریانیت

مؤلف گوید: علامه مجلسی الله این دعا را در کتاب دعای «بحار» و در کتاب صلاة آن همراه با توضیح ذکر کرده و فرموده: این دعا از دعاهای مشهور است ولی من آن را در کتابهای معتبر جز در کتاب مصباح سید ابن باقی الله نیافتم. و نیز فرموده است: مشهور خواندن این دعا پس از نماز صبح است در حالی که سید ابن باقی خواندن آن را پس از نافله صبح روایت نموده است و به هر کدام عمل شود مناسب است.

دُعَائِيْكَسِيلِ بنِ يَادِ

از دعاهای بسیار معروف است، علامه مجلسی الله فرموده: این دعا از بهترین دعاهاست و دعای خضر پیمبر است. امیر المؤمنین الله آن را به کمیل که از خواص اصحاب آن حضرت بود آموخت، و نیز فرموده: در شبها نیمة شعبان و در هر شب جمعه خوانده می شود، و برای کفایت از گزند دشمنان و گشوده شدن درهای روزی و آمرزش گناهان

دُعَائِيْكَسِيلْ بْنِ يَاد

سودمند است. شیخ طوسی و سید ابن طاووس آن را در کتابهای دعای خود آورده‌اند و من متن این گنجینه ملکوتی را از «مصحح المتهجّد» روایت می‌نمایم و آن دعای شریف این است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسَعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَبِقُوَّتِكَ

خدایا از تو درخواست می‌کنم، به رحمت که همه‌چیز را فراگرفته، و به نیرویت

الَّتِي قَهَرَتْ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَخَضَعَ لَهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَذَلَّ لَهَا كُلَّ

که با آن بر هرچیز چیره گشته و در برابر آن هرچیز فروتنی نموده و همه

شَيْءٍ، وَبِجَهَرَوْتِكَ الَّتِي غَلَبَتْ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي

چیز خوار شده و به جبروت که با آن بر همه‌چیزی فائق آمدی و به عزّت که چیزی

لَا يَقُومُهَا شَيْءٌ، وَبِعَظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَبِسُلْطَانِكَ

در برآورش تاب نیاورد و به پادشاهی ات که همه‌چیز را پر کرده و به بزرگی ات

الَّذِي عَلَّاصَ كُلَّ شَيْءٍ، وَبِوَجْهِكَ الْباقِي بَعْدَ فَنَاءِ كُلَّ شَيْءٍ،

که برتر از همه‌چیز قرار گرفته، و به جلوهات که پس از نابودی همه‌چیز باقی است

وَبِإِسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأَتْ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ، وَبِعِلْمِكَ الَّذِي أَحاطَ

و به نامهایت که پایه‌های همه‌چیز را انشانه و به علمت که بر

بِكُلِّ شَيْءٍ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَضَاءَ لَهُ كُلَّ شَيْءٍ؛ يَا نُورُ

همه‌چیز احاطه نموده، ای نور، و به نور ذات که همه‌چیز در پرتوان تابندگشته،

يَا قُدُّوسُ، يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ وَيَا آخِرَ الْآخِرِينَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي

ای پاک از هر عیب، خدا! بیامز برای من آن وای پایان هر بیان، ای آغاز هر آغاز،

الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتَكُ الْعَصَمَ؛ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي

گناهانی را که بیامز برای من آن گناهانی را که کیفرها پرده حرمتم می‌درد، خدا!

تُنْزِلُ النِّقَمَ؛ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ؛ اللَّهُمَّ

رافرو می‌بارند، خدا! بیامز برایم گناهانی را که نعمتها را دگرگون می‌سازند،

دُعَائِيْكَسِيلْ بْنِ يَاد

اَغْفِرْ لِيَ الدُّنْوَبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ؛ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِيَ

بیامز برایم آن گناهانی را که دعا را باز می دارند، خدایا!

الذُّنْوَبَ الَّتِي تُنْزِلُ الْبَلَاءَ؛ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ اذْنَبْتُهُ ،

بیامز برایم همه گناهانی را که مرتکب شدم، گناهانی که بلا را نازل می کند، خدایا!

وَكُلَّ خَطِيئَةً أَخْطَأْتُهَا . اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ ،

بیامز برایم با یاد توبه سویت نزدیکی می جویم، و تمام خطاهایی که به آنها آلوده گشتم، خدایا!

وَأَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَى نَفْسِكَ ، وَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ أَنْ تُدْنِيَنِي مِنْ

واز ناخشنودی توبه درگاه خودت شفاعت میطلبم، خدایا!

قُرْبَكَ ، وَأَنْ تُوزِّعَنِي شُكْرَكَ ، وَأَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ . اللَّهُمَّ

قرب خوبیش نزدیک گردانی و سپاس خود را نصیب من کنی، و یادت را به من الهام نمایی، خدایا!

إِنِّي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ خَاصِّيْعَ مُتَدَلِّلَ خَاشِعَ ، أَنْ تُسَامِحَنِي

از تو درخواست می کنم، درخواست بندهای فروتن، خوار و افتاده، که با من مدار انمایی خدایا!

وَتَرَحَّمَنِي ، وَتَجْعَلَنِي بِقِسْمِكَ راضِيًّا قَانِعًا ، وَفِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ

و به من رحم کنی و به آنچه روزی ام نمودهای خشنوده و قانع بداری و در تمام حالات در عرصه

مُتَوَاضِعًا . اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنِ اشْتَدَّتْ فَاقْتَهُ ، وَأَنْزَلَ

تواضع بگذاری، درخواست کسی که سخت تهدیدست شده و بار خدا!

بِكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ ، وَعَظُمَ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتُهُ . اللَّهُمَّ

نیازش را به هنگام گرفتاریها به آستان تو فرود آورده و میلش به آنچه نزد توست فزونی یافته، خدایا!

عَظُمَ سُلْطَانَكَ ، وَعَلَا مَكَانَكَ ، وَخَفَى مَكْرُوكَ ، وَظَاهَرَ

فرمانروایی ات بس بزرگ و فرمانت آشکار، و مقامت والا و تدبیرت پنهان،

أَمْرُوكَ ، وَغَلَبَ قَهْرُوكَ ، وَجَرَتْ قُدْرَتُكَ ، وَلَا يُكِنْ الفِرَارُ مِنْ

وقهرت چیره، و گریز از حکومت وقدرت نافذ،

حُكْمَتِكَ . اللَّهُمَّ لَا أَجِدُ لِذُنُوبِي غَافِرًا ، وَلَا لِقَبَائِحِي سَارِرًا ،

خدایا! آمرزندہای برای گناهانم و پرده پوشی برای زشتکاریها ممکن نیست،

وَلَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِيَ الْقَبِحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلاً غَيْرَكَ . لَا إِلَهَ إِلَّا

و تبدیل کنندهای برای کار زشم به زیبایی، جز تونمی بایم معبدی جز تو

دُعَائِيْكَسِيلْ بَنْ يَاد

أَنَّتَ؛ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ؛ ظَلَمْتُ نَفْسِي، وَتَجَرَّأْتُ بِجَهَلِيْ،

نیست، پاک و منزَّهی
به خود ستم کردم و از روی نادانی جرأت نمودم

وَسَكَنْتُ إِلَى قَدِيمٍ ذِكْرِكَ لِي وَمَنِّاكَ عَلَىَّ. اللَّهُمَّ مَوْلَايَ، كَمْ

وَبِهِ يَادِ دِيرَينَهاتِ ازْ مَنْ وَبَخْشِشَتِ
ای سرور من چه خدایا!

مِنْ قَبِيحِ سَرَّتَهُ، وَكَمْ مِنْ فَادِحٍ مِنَ الْبَلَاءِ أَقْلَتَهُ (أَمْلَتَهُ)،

پوشاندی و چه بسیار بلاهای سنتگین
و بزرگی که از من برگرداندی

وَكَمْ مِنْ عِثَارٍ وَقَيْتَهُ، وَكَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ، وَكَمْ مِنْ

وَچه بسیار لغزشی که مرا از آن نگهداشتی
که از من دور کردی و چه بسیار

ثَنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا لَهُ نَشَرَتَهُ! اللَّهُمَّ عَظُمَ بَلَائِي، وَأَفْرَطَ

ستایش نیکوبی که شایسته آن نبودم
و تو در میان مردم پخش کردی، خدایا!

بِسُوءِ حَالٍ، وَقُصْرَتْ (قصَّرَتْ) بِأَعْمَالِي، وَقَعَدَتْ بِأَغْلَالِي،

وزشتی حالم
از حد گذشته و زنجیرهای گناه

وَحَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي بَعْدُ أَمْلَى (آمالی)، وَخَدَعْتَنِي الدُّنْيَا

مرازمهن گیر نموده
مرازنده ای ساخته و دنیا

بِغُرُورِهَا، وَنَفْسِي بِجَنَاحِيْتَهَا (بِخِيَاتِهَا) وَمِطَالِي؛ يَا سَيِّدِيْ،

با غرورش و نفسم
ای سرورم با جنایتش و امروز و فردا کردنم در توبه مرا فریفته،

فَاسْأَلْكَ بِعِزَّتِكَ، أَنْ لَا يَحْجُبَ عَنِّي دُعَائِيْ سُوءِ عَمَالِيْ

از تو درخواست می کنم
بدی عمل به عزّت که مانع نشود

وَفِعَالِيْ، وَلَا تَفْضَحْنِي بِخَفْيِي مَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرّيْ،

وزشتی کردارم
رسوا مسازی و مرا با آنچه از اسرار نهانم می دانی

وَلَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقوَبَةِ عَلَى مَا عَمِلْتُهُ فِي خَلْوَاتِيْ، مِنْ سُوءِ فِعلِيْ

ودر کیفر آنچه
از زشتی کردار در خلوتها یم انجام دادم شتاب نکنی،

وَإِسَاعَتِيْ، وَدَوَامَ تَفْرِيطِي وَجَهَالَتِيْ، وَكَثْرَةِ شَهْوَاتِيْ

وبدی رفتار
و تداوم تقصیر و نادانی و بسیاری شهوatum

وَغَفَلَتِيْ، وَكُنِ اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ

و غفلتم،
با من در شتاب نکنی، خدایا!

دُعَائِيْكَسِيلْ بْنِ يَاد

(الاَحْوَالِ كُلّهَا) رَوْفًا ، وَ عَلَىٰ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَطْوَفًا . إِلَهِي

خدایا،

به دیده لطف بنگر.

و بر من در هر کارم

همه احوال مهورو رز

وَرَبِّيْ ، مَنْ لِي غَيْرُكَ ، أَسَأْلُهُ كَشْفَ ضُرّيْ ، وَ النَّظَرَ فِي أَمْرِيْ ؟

پروردگارا، جز تو که را دارم؟

تا برطرف شدن ناراحتی

ونظر لطف در کارم را از او درخواست کنم.

إِلَهِيْ وَ مَوْلَايَ ، أَجَرَيْتَ عَلَيَّ حُكْمَماً اتَّبَعْتُ فِيهِ هَوْيَ

خدای من و سور من:

حکمی را بر من جاری ساختی

نَفْسِيْ ، وَلَمْ أَحْتَرِسْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَدُوّيْ ، فَغَرَّنِيْ بِمَا آهَوْيَ ،

نفس را در آن پیروی کردم

واز فریبکاری آرایش دشمنم نهرا سیدم،

پس مرا به خواهش

وَاسْعَدَهُ عَلَى ذِلْكَ الْقَضَاءِ ، فَتَجاَوَزْتُ بِمَا جَرِيْتُ عَلَيَّ مِنْ

دل فریفت و بر این امر اختیار

پس بدینسان

واراده ام یاریش نمود،

دل فریفت و بر این امر اختیار

ذِلْكَ بَعْضَ (مِنْ نَقْصِ) حُدُودِكَ ، وَ خَالَفْتُ بَعْضَ أَوْامِرِكَ ،

و بر پایه گذشته هایم

از حدودت گذشتم،

وابرخی از دستورات مخالفت نمودم،

فَلَكَ الْحَمْدُ (الْحُجَّةُ) عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذِلْكَ ، وَلَا حُجَّةَ لِي فِيمَا

پس حجت تنها از آن تواست

در همه اینها،

ومراهیج حقی نیست در آنچه

جَرِيْتُ عَلَيَّ فِيهِ قَضَاؤِكَ ، وَ الزَّمَنِيْ حُكْمُكَ وَ بَلَاؤِكَ ،

بر من از سوی

و فرمان و آزمایش ملزم مم نموده،

قضایت جاری شده

وَقَدْ آتَيْتُكَ يَا إِلَهِيْ ، بَعْدَ تَقْصِيرِيْ وَ اسْرَافِ عَلَيْ نَفْسِيْ ،

ای خدای من اینک

و زیاده روی در خواهشهاي نفس

پس از کوتاهی در عبادت

مُعْتَذِرًا نَادِمًا مُنْكَسِرًا ، مُسْتَقِيلًا مُسْتَغْفِرًا مُنْبِيْلًا ، مُؤْرِّا

عذر خواه، پشیمان، شکسته دل،

با زگشت کنای طالب آمرزش،

جویای گذشت کنای طالب آمرزش،

مُذْعِنًا مُعْتَرِفًا ، لَا أَجِدُ مَفْرَّاً مِمَّا كَانَ مِنِّي ، وَلَا مَفْرَعًا أَتَوْجَهُ

و اذعان و اعتراف به گناه،

از من سرزده بیایم

بی آنکه گریز گاهی از آنچه

إِلَيْهِ فِي أَمْرِيْ ، غَيْرَ قَبُولِكَ عُذْرِيْ ، وَ إِدْخَالِكَ إِيَّاَيَ فِي سَعَةِ

ونه پنهانگاهی که به آن رو او رم پیدا کنم،

جز اینکه پذیرای عذرم باشی،

و مرادر

[مِنْ] رَحْمَتِكَ . اللَّهُمَّ (إِلَهِيْ) فَاقْبِلْ عُذْرِيْ ، وَارْحَمْ شِدَّةَ

خدایا! پس عذرم را بپذیر،

وبه بحالی ام رحم کن

رحمت فraigیرت بگنجانی.

دُعَائِيْكَسِيلْ بَنْ يَاد

ضُرّى، وَفُكَّنِى مِنْ شَدِّ وَثاقِى؛ يَا رَبِّ ارْحَمْ ضَعَفَ بَدَنِى،

بر ناتوانی جسمم

پروردگار!!

بند محکم گناه.

ورهایم ساز از

وَرَقَّةَ جَلْدِى ، وَدَقَّةَ عَظَمِى؛ يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِى وَذَكَرِى ،

ای که آغازگر آفرینش و یاد

و نرمی استخوانم رحم کن.

ونازکی پوستم

وَتَرَبِّيَتِي وَبَرَّى وَتَغْذِيَتِي ، هَبْنِي لِابْتِداءِ كَرْمَكَ ، وَسَالِفِ

اکنون مرا بیخش به همان کرم نخست، و پیشینه

بِرَّكَ بِ . يَا إِلَهِي وَسَيِّدِى وَرَبِّى ، أَتْرَاكَ مُعَذِّبِي بِنَارِكَ بَعْدَ

ای خدای من و سرور و پروردگارم، آیا مرا به آتش دوزخ عذاب نمایی، پس از اقرار

احسانت بر من،

تَوْحِيدِكَ؟ ! وَبَعْدَ مَا انطَوَى لَعْلَيْهِ قَلْبِى مِنْ مَعْرِفَتِكَ ،

و پس از آنکه دور از نور شناخت

به یگانگی ات

وَلَهِجَ بِهِ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ ، وَاعْتَقَدَهُ ضَمِيرِى مِنْ حُبِّكَ؟ !

و زبانم در پرتو آن

به ذکرت گویا گشت

وَبَعْدَ صِدِيقِ اعْتِرَافِ وَدُعَائِ خاصِيًّا لِرُبُوبِيَّتِكَ؟ ! هَيَاهَاتَ أَنْتَ

و پس از صداقت در اعتراف

در برابر پروردگاری ات، باور نمی کنم

أَكْرَمُ مِنْ آن تُضْيِعَ مَنْ رَبَّيْتَهُ ، أَوْ ثَبَّعَدَ مَنْ أَدَيْتَهُ ، أَوْ

چه آن بسیار بعید است و تو بزرگوارتر از آن هستی

که پروردگار را تباہ کنی یا آن را که به خود نزدیک نموده ای

تُشَرِّدَ مَنْ آوَيْتَهُ ، أَوْ تُسْلِمَ إِلَى الْبَلَاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ وَرَحِمْتَهُ ،

دور نمایی یا آن را که پناه دادی از خود برانی یا آن را که خود کفایت نموده ای و به اور حم کردی به موج بلا و اگذاری؟!

وَلَيْتَ شِعْرِي يَا سَيِّدِي وَإِلَهِي وَمَوْلَايَ ، أَتْسَلِطُ النَّارَ عَلَى

آیا آتش را بر

ای سرورم

او معبدوم و مولایم،

وُجُوهِ خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً؟ ! وَ عَلَى الْسُّنْ نَطَقَتْ

صورتهایی که برای عظمت سجده کنان بزمین نهاده شده مسلط می کنی

و نیز بزرگانهایی که صادقانه

بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً، وَبِشُكْرِكَ مَادِحَةً؟ ! وَ عَلَى قُلُوبِ اعْتَرَفَتْ

و به سپاست مدح کنان گویاشده

به توحیدت

بِإِلَهِيَّتِكَ مُحَقِّقَةً؟ ! وَ عَلَى ضَمَائِرِ حَوَّتْ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ

که معرفت

به تو آنها را فرا گرفته

و بر نهادهایی

اعتراف کرد

دُعَائِيْكَسِيلِ بنِ يَادِ

حَتَّىٰ صَارَتْ خَاشِعَةً؟! وَعَلَىٰ جَوَارِحَ سَعَتْ إِلَىٰ أَوْطَانِ

وبه اعضائي كه مشتاقانه به سوي

در پيشگاهت خاضع شده

تا آنجا كه

تَعْبُدُكَ طَائِعَةً، وَأَشَارَتْ بِاسْتِغْفَارِكَ مُذْعِنَةً؟! مَا هَكَذَا

پرستشگاههايت شتافتهد و اقرار کنان جويای آمرزش تو بوده اند، شگفتايin همه رابه آتش بسوزاني! هرگز چنین

الظَّنُّ بِكَ، وَلَا خَبْرُنَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ يَا كَرِيمُ! يَا رَبِّ، وَأَنْتَ

گمانی به تو نیست ای بزرگوار، ای پروردگار و تو واز فضل تو چنین خبری داده نشده،

تَعْلَمُ ضَعْفِي، عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَعُقُوبَاتِهَا، وَمَا يَجْرِي

از ناتوانی ام در برابر اندکی از غم و اندوه دنيا و كيفهای آن و آنچه كه از

فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَىٰ أَهْلِهَا، عَلَىٰ أَنَّ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَمَكْرُوهٌ،

ناگواريها بر اهلش می گذرد و ناگواری در نگش کم، آگاهی، با آنکه اين غم و اندوه

قَلِيلٌ مَكْثُونٌ، يَسِيرٌ بَقَاوُهُ، قَصِيرٌ مُدَّتُهُ، فَكَيْفَ احْتَالَىٰ

بقايش اندک پس چگونه خواهد بود تابم در برابر و مدتنه کوتاه است،

لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ، وَجَلِيلٌ (حُلُولٌ) وُقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا؟! وَهُوَ بَلَاءٌ

بلای آخرت، فروود آمدن ناگواريها در آن جهان و فرج و جانم و حال آنکه زمانش

تَطُولُ مُدَّتُهُ، وَيَدُومُ مَقَامُهُ، وَلَا يُخْفَفُ عَنْ أَهْلِهِ، لَا تَهُوَ

طولاني و جايگاهش ابدی است آن بلانخواهد بود، چراكه و تخفيفي برای اهل

لَا يَكُونُ إِلَّا عَنْ غَضَبِكَ وَإِنْتِقَامِكَ وَسَخَطِكَ، وَهَذَا مَا

مايه آن بلا جزا خشم و انتقام و ناخشنودی تو نیست و اين چيزی است

لَا تَقُومُ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ. يَا سَيِّدِي فَكَيْفَ بِي (لِي)؟

كه تاب نياورند اى سرور من تا چه رسد به من؟ در برابر ش آسمانها و زمين،

وَأَنَا عَبْدُكَ الْضَّعِيفُ الذَّلِيلُ، الْحَقِيرُ الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ؛ يَا

و حال آنکه زمين گير و درمانده توأم: اي من بinde ناتوان، خوار و کوچک،

إِلَهِي وَرَبِّي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ، لِإِلَيِّ الْأُمُورِ إِلَيَّ أَشْكُوكَوْ؟

خدای من و پروردگار و سرور و مولایم، برای کدامیک از دردهایم به حضرت شکوه کنم

وَلِمَا مِنْهَا أَصِحُّ وَأَبَكِي: لِإِلَيِّ الْعَذَابِ وَشِدَّتِهِ، أَمْ لِطُولِ

وبرای کدامیں به درگاهت بنالم گرفتاريم

و برای

دُعَائِيْكَسِيلْ بَنْ يَاد

البَلَاءُ وَمُدَّتِهِ؟ فَلَئِنْ صَرَّتِنَى لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ أَعْدَائِكَ ،

يا برای طولانی شدن بلا و زمانش، و سختی اش، آیا برای دردناکی عذاب واشک بریزم.

وَجَمَعَتْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَهْلِ بَلَائِكَ ، وَفَرَّقَتْ بَيْنِي وَبَيْنَ

پس اگر مراد عقوبت و مجازات با دشمنات قرار دهد، و بین من و اهل عذابت جمع کنی، و میان من

أَحِبَائِكَ وَأَوْلَائِكَ ، فَهَبْنِي يَا إِلَهِ وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَرَبِّي ،

وعاشقان و دوستانت جدایی اندازی، ای خدا و مولا و آقا و پروردگارم،

صَبَرْتُ عَلَى عَذَابِكَ ، فَكَيْفَ أَصِيرُ عَلَى فِرَاقِكَ؟ وَهَبْنِي

برفرض که ولی بر فراقت چگونه صبر کنم و گیرم، بر عذابت شکیبائی ورزم،

(يَا إِلَهِ) صَبَرْتُ عَلَى حَرَّ نَارِكَ ، فَكَيْفَ أَصِيرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى

ای خدا و اما چگونه چشم پوشی از من بر سوزندگی آتشت صبر کنم،

كِرامَتِكَ؟ أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النَّارِ وَرَجَائِي عَفْوُكَ؟

كرمت راتاب آورم يا چگونه در آتش، سکونت گرینم و حال آنکه امید من گذشت و عفو تو است.

فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ أُقْسِمُ صَادِقًا ، لَئِنْ تَرَكَتَنِي

بس به عزت ای آقا و مولایم سوگند صادقانه می خورم، اگر مراد سخن گفتن

نَاطِقًا ، لَا ضِجَّنَ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِهَا ضَجِيجَ الْأَمِلِينَ (الْأَمِلِينَ) ،

آزاد بگذاری در میان اهل دوزخ به پیشگاهت سخت ناله سردهم همانند ناله آرزومندان

وَلَا صُرُخَ إِلَيْكَ صُرَاحَ الْمُسْتَصْرِخِينَ ، وَلَا بِكَيْنَ عَلَيْكَ

و به درگاهت بانگ بردارم همچون بانگ آنان که خواهان دادرسی هستند و هر آینه به آستانت گریه کنم چونان

بُكَاءُ الْفَاقِدِينَ ، وَلَا نَادِيَنَّكَ: أَيْنَ كُنْتَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ ،

که مبتلا به فقدان عزیزی می باشند و صدایت می زنم: کجا بیایی ای سرپرست مؤمنان،

يَا غَايَةَ آمَالِ الْعَارِفِينَ ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغْيِثِينَ ، يَا حَبِيبَ قُلُوبِ

آری کجا بیایی ای نهایت آرزوی عارفان، ای فریادرس خواهندگان فریدارس، ای محبوب دلهای

الصَّادِقِينَ ، وَيَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ؟ أَفَتُرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِ

راستان آیا بین چنین است، آیا بین چهانیان ای خدای منزه، و ای معبد جهانیان

وَبِحَمْدِكَ ، تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ ، سُجْنَ (يُسْجَنُ) فِيهَا

مسلمانی که برای مخالفتش با دستورات تو زندانی شده و ستوده که در دوزخ بشنوی صدای بنده

دُعَامِيْكَسِيلْ بَنْ يَاد

بِمُخَالَفَتِهِ، وَذاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا بِمَعْصِيَتِهِ، وَحُسْنَ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا

و میان در کات دوزخ به علت

نافرمانی چشیده

و مزه عذایش را به خاطر

بِجُرمِهِ وَجَرِيرَتِهِ، وَهُوَ يَضْجُّ إِلَيْكَ صَجِيْحَ مُؤَمِّلَ لِرَحْمَتِكَ،

و حآل آنکه در درگاه سخت ناله می زند، همچون ناله آن که آرزومند رحمت توست،

وَيُنَادِيَكَ بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ، وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ؟

و به روپیت به پیشگاهت توسل می جوید، اهل توحید تو را می خواند،

يَا مَوْلَايَ، فَكَيْفَ يَبْقَى فِي الْعَذَابِ، وَهُوَ يَرْجُو مَا سَلَفَ مِنْ

و حآل آنکه امید به برداری چگونه در عذاب بماند

حِلْمِيَّ؟! أَمْ كَيْفَ تُؤْلِمُهُ النَّارُ، وَهُوَ يَأْمُلُ فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ؟!

در حالی که بخشش و رحمت تو را آرزو دارد یا آتش چگونه او را به درد آورد

أَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهِيْبُها، وَأَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرَى مَكَانَهُ؟!

در حالی که فریادش را می شنوی و جایش را می بینی یا چگونه شعله آتش او را بسوزاند

أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا، وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ؟! أَمْ كَيْفَ

و حآل آنکه از ناتوانی اش خبر داری، یا چگونه آتش او را در بر بگیرد

يَتَقْلِلُ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا، وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ؟! أَمْ كَيْفَ تَزْجُرُهُ

در طبقات دوزخ به این سو و آن سو کشانده شود یا چگونه فرشته های

زَبَانِيَّتُهَا، وَهُوَ يُنَادِيَكَ يَا رَبَّهُ؟! أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ

عدا اور با خشم برانند و حآل آنکه تو را به پروردگاریت می خواند، یا چگونه ممکن است بخشت را در

فِ عِتِيقِهِ مِنْهَا فَتَرُكَهُ فِيهَا؟! هَيَّاهَ مَا ذَلِكَ

آزادی از دوزخ امید داشته باشد و تو اورا در آنجا به همان حال واگذاری؟

الظَّنُّ بِكَ، وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ، وَلَا مُشْبِهُ لِمَا عَامَلَتَ

ونه از فضل تو چنین گویند و نه به آنچه که هرگز گمان مایه تو این نیست تو بس دور است،

بِهِ الْمُوَحَّدِينَ مِنْ بِرَّكَ وَإِحْسَانِكَ، فَبَالِيَقِينِ أَقْطَعُ لَوْلَا مَا

از خوبی و احسان باهله توحید رفتار کرده ای شباhtی دارد، پس به یقین می دانم

حَكَمَتِ بِهِ مِنْ تَعْذِيبِ جَاهِدِيَّكَ، وَقَضَيْتِ بِهِ مِنْ

منکران نبود و حکمت در به عذاب کشیدن که اگر فرمان

دُعَائِيْكَسِيلْ بْنِ يَاه

إِخْلَادِ مُعَايِدِيْكَ ، لَجَعَلَتِ النَّارَ كُلُّهَا بَرَدًا وَسَلَامًا ، وَمَا كَانَ

هر آینه سرتاسر دوزخ را سرد و سلامت می کردم
به همیشگی بودن دشمنانت در آتش صادر نمی شد.

(كَانَتْ) لَأَحَدٍ فِيهَا مَقْرَأً وَلَامْقَاماً (مَقَاماً) ، لِكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ

اما تو که مقدس است
در آنجاقرار و جایگاهی نبود،
و برای احدی

أَسْمَاؤَكَ ، أَقْسَمْتَ أَنْ تَمَلَّأَهَا مِنَ الْكَافِرِينَ : مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ

که دوزخ را از همه کافران
چه پری و چه آدمی
نامهایت سوگند یاد کردم

أَجَمَعِينَ ، وَأَنْ تُخْلِدَ فِيهَا الْمُعَانِدِيْنَ ، وَأَنْتَ جَلَّ ثَناؤْكَ قُلْتَ

رادر آنچا همیشگی و جاودانه بداری و هم تو
که ثناشت بر جسته
پرسازی و ستیزه جویان

مُبْتَدِئًا ، وَتَطَوَّلَتْ بِالْإِنْعَامِ مُتَكَرِّمًا : (أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ

و والا است - به این گفته ابتداء کردی و با نعمتایت کریمانه نفضل فرمودی که
«آیا مؤمن»

كَانَ فَاسِقًا؟! لَا يَسْتَوْنَ .) إِلَهِ وَسَيِّدِي ، فَاسْأَلْكَ

همانند فاسق است؟
از تو خواستارم
ای خدا و سور من،
نه، مساوی نیستند»

بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَرَتْهَا ، وَبِالْقَضِيَّةِ الَّتِي حَتَّمَتْهَا وَحَكَمَتْهَا ،

و به فرمانی که حتمیت دادی
و بر همه استوارش نمودی
به قدرتی که مقدار نمودی

وَغَلَبَتْ مَنْ عَلَيْهِ أَجْرَيَتْهَا ، أَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ ، وَفِي هَذِهِ

که در این شب و در این
بر او اجرایش کردی چیره ساختی
و بر کسی که

السَّاعَةِ ، كُلَّ جُرْمٍ أَجْرَمْتُهُ ، وَكُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ ، وَكُلَّ قَبِيحٍ

و هر گناهی که به آن آلوه گشتم و هر کار زشتی را
 ساعت بر من ببخشی هر جرمی که مرتكب شدم

أَسْرَرْتُهُ ، وَكُلَّ جَهْلٍ عَمِلْتُهُ ، كَتَمْتُهُ أَوْ أَعْلَنْتُهُ ، أَخْفَيْتُهُ

خواه پنهان کردم
و هر نادانی که آن را بکار گرفتم
که پنهان ساختم

أَوْ أَظْهَرْتُهُ ، وَكُلَّ سَيِّئَةٍ أَمْرَتِ يَاثِبَاتِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ ،

با آشکار، نهان ساختم
با عیان و هر کار زشتی که
دستور ثبت آن را به نویسندها بزرگوار دادی

الَّذِينَ وَكَلَّتْهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنْيِ ، وَجَعَلَتْهُمْ شُهُودًا عَلَىَّ مَعَ

آنان که بر ضبط آنچه
از من سرزند گماشتی

جَوَارِحِي ، وَكُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ ، وَالشَّاهِدَ لِمَا

علاوه بر اعضايم
و خود فراتر از آنها مراقب من بودی
و شاهد بر آنچه که

دُعَائِيْكَسِيلِ بنِ يَاد

خَفِيَ عَنْهُمْ ، وَرَحْمَتِكَ أَخْفَيْتَهُ ، وَفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ ، وَأَنْ

از آنان پنهان ماند
و بافضلت پوشاندی و اینکه
وبه یقین بارحمت پنهان ساختی

تُوفِّرَ حَظًى مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ (تُنْزِلُهُ) ، أَوْ إِحْسَانٍ فَضَّلْتَهُ

از تو می خواهم
یا احسانی که تفضل نمودی
از هرچیزی که نازل کردی

(تُفَضِّلُهُ) ، أَوْ بِرٍّ نَشَرْتَهُ (تَنْشُرُهُ) ، أَوْ رِزْقٍ بَسَطْتَهُ (تَبْسُطُهُ) ،

یا بر و نیکی
که گستردنی
که پراکندی

أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ ، أَوْ خَطَايَا تَسْتُرُهُ . يَا رَبِّ يَا رَبِّ ، يَا إِلَهِ

یا گناهی که بیامزی یا خطایی که بپوشانی
پروردگار، پروردگار، پروردگار!!
ای خدای من

وَسَيِّدِي وَمَوْلَايِ وَمَالِكَ رِيقَّ ، يَا مَنْ بَيَدِهِ ناصِيَتِي ، يَا عَلِيًّا

ای سرور من،
ای مولای من و اختیار دارم،
ای آگاه

بِضُرِّي (بِفَقْرِي) وَمَسْكَنَتِي ، يَا خَبِيرًا بِفَقْرِي وَفَاقْتَيْ ، يَا

از پریشانی
وناتوانی ام
ای دانای تهیدستی
ونادری ام،

رَبِّ يَا رَبِّ ، أَسَالَكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ ، وَأَعْظَمِ صِفَاتِكَ

پروردگار!! پروردگار!! پروردگار!!
و بزرگ ترین صفات
از تو درخواست می کنم به حق و قدست

وَأَسْمَائِكَ ، أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنَ (فِي) الْلَّيلِ وَالنَّهَارِ ، بِذِكْرِكَ

و نامهایت که همه او قاتم
به یادت آباد کنی

مَعْوَرَةً ، وَبِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً ، وَأَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً ،

و به خدمتگزاریت پیوسته بداری
پیشگاهت قبول فرمایی
و اعمالم را در

حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَأَوْرَادِي (إِرَادَتِي) كُلُّهَا وِرَدًا وَاحِدًا ،

تا آنکه اعمال
و همواره باشد
و اورادم هماهنگ،

وَحَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرِمَدًا . يَا سَيِّدِي يَا مَنْ عَلَيْهِ مُعَوَّلِي ، يَا

و حالم در خدمت تو پاینده گردد،
ای آن که براو تکیه دارم،
ای سرور من،
ای

مَنِ إِلَيْهِ شَكُوتُ أَحْوَالِي؛ يَا رَبِّ يَا رَبِّ ، قَوْ عَلَى

آن که شکوه حالم را تنها به سوی او برم،
ای پروردگارم، ای پروردگارم،
ای پروردگارم اعضایم

خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي ، وَاشْدُدْ عَلَى الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي ، وَهَبْ لِيْ

را در راه خدمت
و همت
و دلم را برعزم
نیرو بخش

دُعَائِيٰ نَسِيلُ بْنُ يَاه

الْجَدُّ فِي خَشِيتِكَ، وَالدَّوَامُ فِي الاتِّصالِ بِخِدْمَتِكَ ، حَتَّى

محکم کن، و کوشش در راستای پروایت و دوام در پیوستن به خدمت را به من ارزانی دار

أَسْرَحْ إِلَيْكَ فِي مَيَادِينِ السَّابِقَيْنَ، وَأُسْرِعْ إِلَيْكَ فِي الْبَارِزَيْنَ

تابه سویت برایم در میدانهای پیشتازان و به سویت پشتباشم در میان شتابندگان

(الْمُبَادِيرَيْنَ)، وَأَشْتَاقَ إِلَى قُرْبِكَ فِي الْمُشْتَاقَيْنَ، وَأَدْنُوْ مِنْكَ دُنُونَ

وبه کوی در میان مشتاقان قربت آیم و همانند

الْمُخْلِصَيْنَ، وَأَخَافَكَ مَخَافَةً الْمُوقِنَيْنَ، وَاجْتَمَعَ فِي جَوَارِكَ مَعَ

مخلسان به تو نزدیک شوم از جاه تو بهرام و با اهل ایمان

الْمُؤْمِنَيْنَ . اللَّهُمَّ وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءِ فَارِدَهُ ، وَمَنْ كَادَنِي

در جوارت گرد آیم. خدایا! هر کس مرا به بدی قصد کند تو قصدش کن،

فَكِدْهُ ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عَبِيدِكَ نَصِيبًا عِنْدَكَ ،

و هر کس با من مکر ورزد تو با او مکر کن، و مراد به مردمدترین بندگان نزد خود،

وَأَقْرَبْهُمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ، وَأَخَصِّهُمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ

ونزدیک ترینشان در منزلت به تو و مخصوص ترینشان در رتبه به پیشگاهت بگردان، زیرا این همه به دست نیاید

ذُلِّكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ ، وَجُدُّ لِي بِجُودِكَ ، وَاعْطِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ ،

جز به فضل تو، خدایا! با جودت به من جود کن و بازگواییت به من نظر کن

وَاحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ ، وَاجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهِجَّا ، وَقَلْبِي

و بارحمت مرانگاهدار و دلم را به ذکرت گویا کن، و زبانم را به

بِحُبِّكَ مُتَيَّمًا ، وَ مُنَّ عَلَيَّ بِحُسْنِ إِجَابَتِكَ ، وَأَقِلْنِي عَثْرَتِي ،

محبت شیفته و شیدا فرما و بر من منت گذار با پاسخ نیکویت و لغشم را نادیده انگار و گناهم

وَاغْفِرْ زَلَّتِي ، فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَى عِبَادِكَ بِعِبَادَتِكَ ،

رابیخش، زیرا تو بندگان را به بندگی فرمان دادی و به دعا و درخواست از خود امر کردی

وَأَمْرَهُمْ بِدُعَائِكَ ، وَضَمِنْتَ لَهُمُ الْإِجَابَةَ ، فَإِلَيْكَ يَارَبِّ

واجابت دعا را برای آنان ضامن شدی، پس ای پروردگار

نَصَبْتُ وَجْهِي ، وَإِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي ، فَبِعِزَّتِكَ

من تنها روی به سوی تو داشتم و دستم را تنها به جانب تو دراز کردم، پس تو را به عزت سوگند می دهم که

دُعَائِي عَشْرَات

اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي، وَبَلِّغْنِي مُنَائِي، وَلَا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِي،

وَامْبَدْ رَأْزَوْيِمْ بِرْسَانِي، دعايم را الجابت کني

وَأَكْفِنِي شَرَّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنْ أَعْدَائِي؛ يَا سَرِيعَ الرِّضَا، اغْفِرْ

وَشَرِّ دَشْمَنَاهِمْ رَأْزَهْرِي وَآدَمِي اَزْمَنْ كَفَایَتْ کني، اى خدایی که زود از بندهات حشندو می شوی، بیامزرس

لِمَنْ لَا يَمِلِكُ إِلَّا الدُّعَاءَ، فَإِنَّكَ فَعَالٌ لِمَا تَشَاءُ. يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءُهُ،

هَمَانَا تو هَرْجَه بَخْواهِي انجام می دهی، آن را که جز دعا چیزی ندارد، اى آن که نامش دوا

وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ، وَطَاعَتُهُ غِنَّى، ارْحَمْ مَنْ رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ،

رَحْمَنْ کن به کسی که سرمایه اش اميد و یادش شفا

وَسِلَاحُهُ الْبُكَاءُ. يَا سَابِغَ النِّعَمِ، يَا دَافِعَ النِّقَمِ، يَا نُورَ

وَسَازِبِرْگَش اشکریزان است، اى فروریزنده نعمتها، اى دورکننده بلاها، اى روشنی بخش

الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلْمِ، يَا عَالِمًا لَا يُعَلَّمُ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

وحشت زدگان در تاریکیها، بر محمد و خاندان اى دانای ناموخته

مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بِـ ما أَنْتَ أَهْلُهُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ،

محمد درود فرست، و بامن چنان کن تورا شايد، و درود و سلام فراوان خدا بر بیامبرش

وَالْأَئِمَّةِ الْمَيَامِينِ مِنْ آلِهِ (آهِلِهِ)، وَسَلَّمَ تَسْلِيًّا [كَثِيرًا].

امامان خجسته و بر از خاندانش

دُعَائِي عَشْرَات

این دعا از دعاهاي بسيار معتبر است و ما بين نسخه هاي آن تفاوت دидеه می شود. ما آن را از کتاب مصباح المتهجد شیخ طوسی نقل می کنيم. خواندن آن در هر صبح و شام مستحب است و بهترین وقت برای خواندن آن بعد از عصر جمعه است.

دُعَائِي عِشْرَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ، وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ، وَاللّٰهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ

منزه است خدا و ستایش خاص خداست، و معبدی جز خدا نیست، واواز هر وصفی برتر، و جنبش

وَلَا قُوَّةٌ إِلَّا بِاللّٰهِ، الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ. سُبْحَانَ اللّٰهِ آنَاءَ اللَّيلِ وَأَطْرَافَ
النَّهَارِ؛ سُبْحَانَ اللّٰهِ بِالْغُدُوِّ وَالآصَالِ؛ سُبْحَانَ اللّٰهِ بِالْعَشَّىِ

وَالْإِبْكَارِ؛ ﴿سُبْحَانَ اللّٰهِ حِينَ تُسْوَنَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ، وَلَهُ
الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظَهِّرُونَ،

وَبِالْمَدَادِ، پاک و منزه است خدا آنگاه که به شب در آید، و گاهی که به صبح برآید،

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ، وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ، وَيُحْيِي
الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا، وَكَذَلِكَ تُخْرِجُونَ﴾. (سُبْحَانَ رَبِّكَ

وَبِهِ زمین پس از مرگش زندگی می بخشد، و به همین گونه شما هم از قبرها بیرون آورده می شوید، منزه است پروردگارت
رَبِّ الْعِزَّةِ عَمًا يَصِفُونَ، وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ

و سلام بر رسولان و سپاس خدای را زنده خارج می سازد، هم او که زنده را زنده می آورد، مرده بیرون می آورد،

رَبِّ الْعَالَمَيْنِ). سُبْحَانَ ذِي الْمَلَكِ وَالْمَلَكُوتِ؛ سُبْحَانَ ذِي

وَمَلَكُوتِ مِنْزَهَ است صاحب فرمانروایی و ملکوت منزه است صاحب فرمانروایی، بروردگار جهانیان،

الْعِزَّةِ وَالْجَبَرُوتِ؛ سُبْحَانَ ذِي الْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ، الْمَلِكِ
همان فرمانروایی و عظمت، منزه است دارنده بزرگ منشی و عظمت، عزت و اقتدار،

الْحَقِّ الْمُهَيْمِنِ (الْمُبِينِ) الْقُدُوسِ؛ سُبْحَانَ اللّٰهِ الْمَلِكِ الْحَيِّ
منزه است خدای فرمانروایی زنده ای که دارای نهایت پاکی، دارای نهایت پاکی، بحق سلطه دار،

الَّذِي لَا يَمُوتُ؛ سُبْحَانَ اللّٰهِ الْمَلِكِ الْحَيِّ الْقُدُوسِ؛ سُبْحَانَ
دارای نهایت پاکی، منزه است خدای فرمانروایی زنده، هرگز نمی میرد،

دُعَائِي عَشْرَات

القَائِمُ الدَّائِمُ؛ سُبْحَانَ الدَّائِمِ الْقَائِمِ؛ سُبْحَانَ رَبِّ الْعَظِيمِ؛

منزه است پايدار بزيرگم،

منزه است پايدار پاينده،

پاينده پايدار،

سُبْحَانَ رَبِّ الْأَعْلَى؛ سُبْحَانَ الْحَمِيْرِ الْقَيْوَمِ؛ سُبْحَانَ الْعَلِيِّ

منزه است آن زنده به خود پاينده،

منزه است پروردگار برترم،

الْأَعْلَى؛ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى، سُبْحَوْحُ قُدُوسٌ، رَبُّنَا وَرَبُّ الْمَلَائِكَةِ

برتر، منزه است او و بلندمرتبه است از هرزشتی و عیب، پاک و پاکیزه است،

پروردگار ما و پروردگار فرشتگان

وَالرُّوحِ؛ سُبْحَانَ الدَّائِمِ غَيْرِ الْغَافِلِ؛ سُبْحَانَ الْعَالَمِ بِغَيْرِ تَعْلِيمِ؛

منزه است آن دانای ناموخته،

منزه است آن پاينده بي غفلت،

روح،

سُبْحَانَ خَالِقِ مَا يُرِيَ وَ مَا لَا يُرِي؛ سُبْحَانَ الَّذِي يُدْرِكُ

منزه است آن آفریننده دیدنیها و نادیدنیها،

منزه است آن دریابد

الْأَبْصَارَ، وَلَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ؛ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ. اللَّهُمَّ

خدایا،

او است طیف آگاه،

و دیده ها

إِنِّي أَصْبَحْتُ مِنْكَ فِي نِعْمَةٍ وَخَيْرٍ، وَبِرَكَةٍ وَعَافِيَةٍ، فَصَلَّ عَلَى

در حالی صح کردم که از جانب تو بودم

در نعمت و خیر و برگت و سلامتی كامل،

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَآتِمَ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَخَيْرَكَ، وَبَرَكَاتَكَ وَعَافِيَاتَكَ،

پس درود فرست بر

ونعمت و خیر

محمد و خاندانش

بِنَجَاهِ مِنَ النَّارِ، وَارْزُقْنِي شُكْرَكَ وَعَافِيَاتَكَ، وَفَضْلَكَ

فضل

و سلامتی

شکرگزاری

بانجات از آتش دوزخ تمام کن،

وَكَرَامَاتَكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي. اللَّهُمَّ بِنُورِكَ اهتَدِيْتُ، وَبِفَضْلِكَ

و كرامت راههواره تا گاهی که زنده هستم روزی ام فاما،

خدایا به نورت هدایت یافت

و به احسانت

اسْتَغْنَيْتُ، وَبِنِعْمَتِكَ أَصْبَحْتُ وَأَمْسَيْتُ. اللَّهُمَّ إِنِّي

خدایا تو را

و به نعمت صبح و شام کرم،

بنیاز گشته

أُشْهِدُكَ وَ كَفَى بِكَ شَهِيدًا، وَأُشْهِدُ مَلَائِكَتَكَ وَأَنْبِياءَكَ

و گواه می گیرم همه فرشتگان و پیامبران

و گواه تو مرا بس است،

گواه می گیرم

وَرُسُلَكَ، وَ حَمَلَةَ عَرْشِكَ، وَسُكَّانَ سَمَاوَاتِكَ وَأَرْضِكَ

و زمین

واسکنان آسمانها

و حاملان عرش

رسولان

دُعَائِي عِشْرَاتٍ

(أَرْضِيَّكَ) ، وَجَمِيعَ خَلْقِكَ ، بِإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

معبودی جز تو نیست،

بر اینکه همانا تو بی خدا،

و همه آفریده هایت را

وَحَدَكَ ، لَا شَرِيكَ لَكَ ، وَأَنَّ مُحَمَّداً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

(درود خدا بر او و خاندانش)

و اینکه محمد

و بی شریکی

یگانه

عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ ، وَإِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، تُحْيِي وَتُمْتِي

زنده می کنی و می میرانی

و اینکه تو بر هر چیز تو نایی،

بنده و فرستاده تو است

وَتُمْتِي وَتُحْيِي ؛ وَأَشَهَدُ أَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ ، وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ ، وَ(أَنَّ)

و دوزخ و برانگیخته شدن

و گواهی می دهم که بهشت

و می میرانی و زنده می سازی

النُّشُورَ حَقٌّ ، وَالسَّاعَةَ أَتَيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا ، وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ

آن نیست و اینکه خدا مردگان را

و قیامت آمدنی است که تردیدی در

مردگان حق است

فِي الْقُبُورِ؛ وَأَشَهَدُ أَنَّ عَلَيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ، أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ حَقًا

امیر مؤمنان بر حق

و شهادت می دهم که علی بن ابی طالب

برخواهد انگیخت

حَقًا ، وَأَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِهِ ، هُمُ الْأَئِمَّةُ الْمُهْدَأُ الْمَهْدِيُّونَ ، غَيْرُ

هایات گروه یافته اند، نه

از فرزندانش امامان

بر حق و پیشوایان

الضَّالِّينَ وَلَا الْمُضِلِّينَ ، وَأَنَّهُمْ أُولَئِكَ الْمُصْطَفَوْنَ ، وَحِزْبُكَ

ونه گمراه کننده

گمراهنده

الْغَالِبُونَ ، وَصَفَوْتُكَ وَخَيْرَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ ، وَنُجْبَاؤُكَ الَّذِينَ

از میان مخلوقات تو اند و بهترین

و بهترین انتخاب شدگان

پیروز تو، و بندگان خالص تو

إِنَّتَ جَبَّتَهُمْ لِدِينِكَ ، وَاخْتَصَصْتَهُمْ مِنْ خَلْقِكَ ، وَاصْطَفَيْتَهُمْ

بر گردیده شدگانی هستند

که برای بیان دین

عَلَى عِبَادِكَ ، وَجَعَلْتَهُمْ حُجَّةً عَلَى الْعَالَمَيْنَ ، صَلَوَاتُكَ

بندگان特 خاص خود ساختی

و ایشان را بر بندگان برگزیدی

عَلَيْهِمْ ، وَالسَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ . اللَّهُمَّ اكْتُبْ لِي هَذِهِ

قراردادی، بارهای این

و برکات بر آنان باد،

بندگان特 خاص خود ساختی

الشَّهَادَةَ عِنْدَكَ ، حَتَّى تُلْقِنَنِي [يَوْمَ الْقِيَامَةِ] ، وَأَنْتَ عَنِّي

بر زبانم جاری کنی در حالی که

تا آن را در روز قیامت

شهادت را نزد خود برای من ثبت کن،

دُعَائِي عَشْرَاتٍ

رَاضِ؛ إِنَّكَ عَلَىٰ مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا

تورا سپاس، سپاسی

خدایا!

همانا تو بر آنچه می خواهی توانابی.

از من خشنود باشی،

يَصْعُدُ أَوْلُهُ، وَلَا يَنْفَدُ آخِرُهُ. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا تَضَعُ

سپاسی

خدایا! تورا سپاس،

که آغازش بالارود

لَكَ السَّمَاءُ كَنَفِيهَا، وَ تُسَبِّحُ لَكَ الْأَرْضُ وَ مَنْ

تورا آنچنان

زمین و هر که بر آن است

تو بردوش کشد

که آسمان برای

عَلَيْهَا. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا سَرْمَدًا أَبَدًا، لَا انْقِطَاعَ لَهُ

که گستاخ و پایانی

سپاسی همواره و همیشگی

تسبیح کند.

وَ لَا نَفَادَ، وَ لَكَ يَنْبَغِي وَ إِلَيْكَ يَنْتَهَى فِتَّ وَ عَلَيَّ، وَ لَدَىٰ

برایش نباشد

و تنها سزاوار تو باشدو به تو بیانجامد،

سپاسی که نمایان شود در دلم و بر تنم

ونزد من

وَ مَعِي، وَ قَبْلِي وَ بَعْدِي، وَ أَمَامِي وَ فَوْقِي وَ تَحْتِي، وَ إِذَا مِتْ

وبامن و پیش از من و

و بالای سرم و زیر پایم و آنگاه که مرگم

پس از من و پیش رویم

و با من و پیش از من و

وَ بَقِيتُ فَرَّادًا وَحِيدًا، ثُمَّ فَنِيتُ؛ وَ لَكَ الْحَمْدُ إِذَا نُشِرتُ

و تورا سپاس گاهی که زنده

سپس فانی شوم

فرارسد و یگانه و تنها مانم

وَ بُعِثْتُ يَا مَوْلَايَ. اللَّهُمَّ وَلَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ، بِجَمِيعِ

و برانگیخته شوم،

ای سور من،

و سپاس برای همه صفات

و برانگیخته شوم،

مَحَمِّدِكَ كُلِّهَا، عَلَىٰ جَمِيعِ نَعْمَائِكَ كُلِّهَا، حَتَّىٰ يَنْتَهَى الْحَمْدُ إِلَىٰ

که آن را ای پروردگار ما

سپاسی بلند و بی پایان،

پسندیدهات و بر همه نعمتها بابت،

پسندیدهات و بر همه نعمتها بابت،

مَا تُحِبُّ [رَبَّنَا] وَ تَرْضَىٰ. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَىٰ كُلِّ أَكْلَةٍ

تورا سپاس بر هر خوردن

خدا!

واز آن خشنود شوی،

پسندیده داری

وَ شَرِيَّةٍ، وَ بَطْشَةٍ وَ قَبْضَةٍ وَ بَسْطَةٍ، وَ فِي كُلِّ مَوْضِعٍ شَعَرَةٍ .

و در برابر هر نار مو که به ما دادی،

و هر بست و گشودن،

نوشیدن و هر دست یافتن

الَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا مَعَ خُلُودِكَ، وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا

سپاسی پاینده به

پایندگی ات و تورا سپاس سپاسی که نهایت

خدا! تورا سپاس

خدا! تورا سپاس

لَا مُنْتَهَىٰ لَهُ دُونَ عِلْمِكَ، وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا أَمَدَّ لَهُ دُونَ

که پایان آن را جز

و تورا سپاس سپاسی

آن را جز داشت نداند

دُعَائِي عَشَرَات

مَشِيتِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا أَجَرَ لِقَائِلِهِ إِلَّا رِضَاكَ، وَلَكَ

سپاسی که جز خشنودی تو مزدی مشیت نخواهد و تورا سپاس

الْحَمْدُ عَلَى حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى عَفْوِكَ بَعْدَ

سپاس بر بردباری ات پس از آن که دانستی و تورا سپاس بر گذشت، پس از آنکه بر

قُدْرَتِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ بِاعْثَ الحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ وَارثَ

عذاب توانا بودی و تورا سپاس ای سرچشمہ سپاس

الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ بَدِيعَ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ مُنْتَهَی

سپاس و تورا سپاس ای آفریننده و تورا سپاس ای نهایت

الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ مُبْتَدِعَ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ مُشَرِّئَ

سپاس و تورا سپاس ای خریدار و تورا سپاس ای پدیدآورنده

الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ وَلَيَّ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ قَدِيمَ الْحَمْدِ

سپاس، و تورا سپاس ای صاحب سپاس و تورا سپاس ای دیرینه سپاس

وَلَكَ الْحَمْدُ صَادِقَ الْوَعْدِ، وَفِيَ الْعَهْدِ، غَرِيزَ الْجُنْدِ، قَائِمَ

و تورا سپاس ای راست وعده، ای سپاه توانا، ای وفادار به عهد

الْمَجْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ، مُحِبِّ الدَّعَوَاتِ، مُنْزَلٌ

مجده و عظمت پایدار و تورا سپاس ای بلند پایه، ای فرود آورنده، ای پاسخگوی خواسته،

(مُنْزَل) الْآيَاتِ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمَاوَاتٍ، عَظِيمَ الْبَرَكَاتِ،

آیات از بالای ای دارای برکات بزرگ، هفت آسمان،

مُخْرِجُ النُّورِ مِنَ الظُّلُمَاتِ، وَمُخْرِجٌ مَنِ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ،

ای درآورنده نور از دل تاریکیها وای بیرون آورنده آنان که در تاریکیهایند به سوی نور،

مُبَدِّلُ السَّيِّئَاتِ حَسَنَاتٍ، وَجَاعِلُ الْحَسَنَاتِ دَرَجَاتٍ .

ای دگرگون کننده و بالا برنده حسنات در مراتب بهشت، گناهان به نیکیها،

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ غَافِرَ الذَّنْبِ، وَقَابِلَ التَّوْبَ، شَدِيدَ الْعِقَابِ،

خدایا! تورا سپاس ای آمرزنده گناه، وای پذیرای تویه وای عذابت سخت

ذَا الطَّوْلِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، إِلَيْكَ الْمَصِيرُ. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ فِي

وای صاحب عطای بی حد، معیوبدی جز تو نیست. خدایا! تورا سپاس بازگشت همه به سوی تو است.

دُعَامِي عَشْرَات

اللَّيلِ إِذَا يَغْشَى، وَلَكَ الْحَمْدُ فِي النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى، وَلَكَ الْحَمْدُ

در شب گاهی که روز را می بیوشاند، و تورا سپاس در روز آنگاه که آشکار می گردد

فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدُ كُلِّ نَجْمٍ وَمَلَكٍ فِي

در آخرت و دنیا، همه ستاره ها و همه فرشتگان و تورا سپاس به تعداد

السَّمَاءِ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدُ الرَّبُّيِّ وَالْحَصْنِيِّ وَالنَّوْيِّ، وَلَكَ

آسمانی و تورا سپاس به شماره ذرات خاک و ریگ و دانه ها و تورا

الْحَمْدُ عَدَدُ مَا فِي جَوَّ السَّمَاءِ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدُ مَا فِي جَوَفِ

سپاس به عدد آنچه در درون در میان آسمان است و تورا سپاس به عدد آنچه در درون

الْأَرْضِ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدُ أَوْزَانِ مِيَاهِ الْبَحَارِ، وَلَكَ الْحَمْدُ

زمین است و تورا سپاس به میزان وزن آبهای دریا، و تورا سپاس به شماره بزرگ درختان

عَدَدَ أَوْرَاقِ الْأَشْجَارِ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ،

به شماره بزرگ درختان روی زمین است، و تورا سپاس به عدد آنچه

وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا أَحْصَى كِتَابَكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا

و تورا سپاس به عدد آنچه به تعداد آنچه کتابت بر شمرده

أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ، وَالْهَوَامِ

دانشت آن را فراگرفته، و تورا سپاس به شماره آدمیان و پریان و حشرات

وَالْطَّيْرِ، وَالْبَهَائِمِ وَالسِّبَاعِ، حَمْدًا كَثِيرًا طَيْبًا مُبَارَّاً فِيهِ،

سپاسی فراوان و سپاسی پاک که در آن برگت باشد آنچنان که پذیری، و پرندگان و چهارپایان و درندگان،

كَمَا تُحِبُّ رَبَّنَا وَتَرَضَى، وَكَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِكَ وَعِزَّ

ای پروردگار ما و خشنود گردی، بزرگواری ذات و بزرگی و آنچنان که سزاوار

جَلَالِكَ . پَس ده مرتبه می گویی: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ،

جلال تواست. جز خدا نیست، معبدی

لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ؛ وَهُوَ الْلَّطِيفُ الْخَبِيرُ.

یگانه و بی شریک است، فرمانروایی و ستایش تنها از آن اوست و اوست، لطیف و اگاه.

وَ نَيْز ده مرتبه می گویی: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، لَا شَرِيكَ لَهُ،

معبدی جز خدا نیست، یگانه و بی شریک است،

دُعَائِي عِشْرَاتٍ

لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ؛ يُحِبِّي وَيُمِيِّتُ، وَيُمِيِّتُ وَيُحِبِّي،

زنده می کند، و میراند، زنده می کند، فرمانروایی و ستایش از آن اوست،

وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ؛ بِيَدِهِ الْخَيْرُ؛ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

نيکی به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست.

و ده مرتبه: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، أَلْحَى الْقَيْوُمُ،

آمرزش می جویم از خدایی که معبودی جزا نیست، زنده و به خود پایینه است، و تنهای به سوی

وَأَتُوبُ إِلَيْهِ . و ده مرتبه: يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، و ده مرتبه: يَا رَحْمَنْ

او باز می گردم ای بخشندۀ ای خدا ای خدا

يَا رَحْمَنْ، و ده مرتبه: يَا رَحِيمْ يَا رَحِيمْ، و ده مرتبه: يَا بَدِيعَ

ای پدید آورنده ای مهریان ای مهریان ای بخشندۀ

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، و ده مرتبه: يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ،

آسمانها ای صاحب جلال وزمین

و ده مرتبه: يَا حَنَّانُ يَا مَنَانُ، و ده مرتبه: يَا حَنْيٌ يَا قَيْوُمُ، و ده

ای مهرورز و صاحب منت ای زنده ای پایینه

مرتبه: يَا حَنْيٌ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، و ده مرتبه: يَا اللَّهُ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،

ای زندهای که شایسته پرستشی جز تو نیست ای خدا، ای که شایسته پرستشی جز تو نیست

و ده مرتبه: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، و ده مرتبه: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است.

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، و ده مرتبه: اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، و ده

محمد و خاندان محمد درود فرست با من آن کن که شایسته تو است

مرتبه: آمِينَ آمِينَ، و ده مرتبه سوره توحید. پس می گویی

اجابت فرما اجابت فرما

اللَّهُمَّ اصْنَعْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَلَا تَصْنَعْ بِي مَا أَنَا

خدایا با من آن کن که شایسته تو است، نه آن که سزاوار من

أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ، وَأَنَا أَهْلُ الذُّنُوبِ

است چه همانا تو شایسته پروا و آمرزشی و من در خور گناهان

دُعَائِيْ هَمَات

وَالْخَطَايَا ، فَارْحَمْنِي يَا مَوْلَايَ ، وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ . وَ دَه

ای مولای من که تو مهربان ترین مهربانانی

و خطاهایم، پس به من رحم کن،

مَرْتَبَهُ لِاَحَوَلَ وَ لِاَقْوَةَ إِلَّا بِاللَّهِ ؛ تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَسِيْنِ

توکل نمودم بر زنده

جز برآمده از سوی خدا،

جنبش و نیروی نیست

الَّذِي لَا يَمُوتُ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ

پاینده‌ای که نمی‌میرد،

و ستایش خدای را که فرزندی نگرفته

شَرِيكٌ فِي الْمَلَكِ ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ ؛ وَكَبِيرٌ تَكْبِيرًا .

و در فرمانروایی

وناتوانی سربرستی نداشته است

شريكی برایش نبوده و از خواری

و بی‌اندازه بزرگش شمار.

دُعَائِيْ هَمَات

این دعا معروف به دعای شبّور [دعای عطا و بخشش] است،
که خواندن آن در ساعت آخر روز جمعه مستحب است
و پوشیده نماند که این دعا از دعاهای مشهور است و بیشتر
علمای گذشته بر خواندن این دعا مواظبت می‌نمودند. در
(مصباح) شیخ طوسی و (جمال الاسبوع) سید ابن طاووس
و کتب کفعمی به سندهای معتبر از جناب محمد بن عثمان
عمروی رضوان الله عليه که از نواب حضرت صاحب الامر
بود از حضرت باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام روایت شده
علّامه مجلسی رحمه الله این دعا را همراه با شرح در کتاب (بحار)
ذکر نموده است. این دعا چنان که در کتاب (مصباح) شیخ
آمده چنین است:

دُعَامِي سُمَّاَت

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِسِمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ [الْأَعْظَمِ]، الْأَعْزَمِ

بَاشْكُوهُ تَرْ گَرَامِيْ تَرْ،
كَهْ چُونْ بَرْ دَرَهَي
الْأَجَلُ الْأَكْرَمُ، الَّذِي إِذَا دُعِيَتْ بِهِ عَلَى مَغَالِقِ أَبْوَابِ السَّمَاءِ
بِسْتَهْ أَسْمَانْ

لِلْفَتْحِ بِالرَّحْمَةِ انْفَتَحَتْ ، وَإِذَا دُعِيَتِ بِهِ عَلَى مَضَائِقِ أَبْوَابِ
با آن نام خوانده شوی که به رحمت گشوده شوند باز می شوند
و چون با آن بر درهای ناگشوده

الْأَرْضِ لِلْفَرَجِ انْفَرَجَتْ، وَإِذَا دُعِيَتْ يَهُ عَلَى الْعُسْرِ لِلْيُسْرِ
زمین خوانده شوی برای فرج گشوده شود، وچون با آن برای آسان شدن سختی

تَيِّسَرَتْ ، وَإِذَا دُعِيَتْ بِهِ عَلَى الْأَمْوَاتِ لِلنُّشُورِ انتَشَرَتْ ، وَإِذَا
خوانده شوی، آسان گردند و چون با آن بر مردگان برای زنده شدن خوانده شوی،

دُعْيَتْ بِهِ عَلَى كَشْفِ الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ انْكَشَفَتْ ، وَبِجَلَالِ زَنْدَه شُونَدْ وَجُونْ يَاَنْ رَايْ (فِعْ سَخْتَهْ) وَزَيْانْ خَوانَدْه شُويْ بَرْ طَفْ گَرْ دَدْ وَمَيْ خَوانَتْ لَهْ شَكْوهْ

وَجِهَكَ الْكَرِيمُ، أَكْرَمُ الْوُجُوهِ، وَأَعَزُّ الْوُجُوهِ، الَّذِي عَنَّتْ
حَلْمَهُ گَامِدَاتٍ، گَامِدَاتٍ، حَلْمَهُ گَامِدَاتٍ، گَامِدَاتٍ، حَلْمَهُ گَامِدَاتٍ،
وَعَنْ بَرْتَبٍ، آتَيْنَاكَهُ حَمْدَهَا، بَارِشَ،

لَهُ الْوِجْهُ، وَخَضَعَتْ لَهُ الرِّقَابُ، وَخَشَعَتْ لَهُ الْأَصْوَاتُ،
خَمْرٌ، گَشْتَهٗ آهَانٌ، هَجَنَّهٗ گَشْتَهٗ

وَوَجَلَتْ لَهُ الْقُلُوبُ مِنْ مَخَافِتِكَ، وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي بِهَا تُسْكِنُ

السَّمَاءُ، أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِنَا، وَتُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ

وَالْأَرْضَ أَن تَزُولاً، وَبِمَسِيَّتِكَ الَّتِي دَانَ لَهَا الْعَالَمُونَ،
بِرَزْمِينَ افْتَدَ مَكْرِيهً بِإِجَازَهِ تَوْ،
وَبَا آنَ آسْمَانَهَا رَانِگَاهَ دَاشْتَيَ اَزِيْنَكَهَ

وَبِكَلْمَاتِكَ الَّتِي خَلَقْتَ بِهَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ، وَبِحِكْمَتِكَ
وَزَمِينَ رَازِيَنَكَهُ وَبِرَانَ شُونَدَ نَگَاهَ دَاشْتَی
کَه جَهَانِیان در برابر شِن مطْبِعْنَدَه
وَمَی خَوَانَمَتَ بَه اَرَادَهَات

وَبِهِ كَلْمَهَاتٍ وَكَهْ بَا آنَ أَسْمَانَهَا وَزَمِينَ رَا فَيْدِي، وَبِهِ حَكْمَتٍ الَّتِي صَنَعَتْ هَرَا العَجَائِبَ، وَخَلَقَتْ هَرَا الظُّلْمَةَ وَجَعَلَتْهَا لَلَّا،

دُعَائِيْ سَهَّات

وَجَعَلَتِ اللَّيْلَ سَكَنًا (مَسْكَنًا)، وَخَلَقَتِ بِهَا النُّورَ

و هم با آن حکمت نور را آفریدی

و شب را برای آرامش مقرر داشتی

و آن را شب قرار دادی،

وَجَعَلَتِهِ نَهَارًا، وَجَعَلَتِ النَّهَارَ نُشُورًا مُبْصِرًا، وَخَلَقَتِ بِهَا

وروز را مایه جنبش و بینایی سنجش ساختی، و نیز با آن خورشید را آفریدی،

و آن را روز قرار دادی،

الشَّمْسَ وَجَعَلَتِ الشَّمْسَ ضِيَاءً ، وَخَلَقَتِ بِهَا الْقَمَرَ

و با آن ماه را پدید آوردی

مايه تابش نمودی،

و خورشید را

وَجَعَلَتِ الْقَمَرَ نُورًا ، وَخَلَقَتِ بِهَا الْكَوَاكِبَ وَجَعَلَتِهَا

و با آن ستارگان را خلق کردی

و آنها را خترانی ساختی،

و ماه را نورانی ساختی،

نُجُومًا وَبُرُوجًا ، وَمَصَابِيحَ وَزِينَةً وَرُجُومًا ، وَجَعَلَتِ لَهَا

تابناک و برجها

و زینت و عامل راندن شیاطین قرار دادی

و چراگها

مَشَارِقَ وَمَغَارِبَ، وَجَعَلَتِ لَهَا مَطَالِعَ وَمَحَارِبَ ، وَجَعَلَتِ لَهَا

و گردشگاهها مقرر ساختی

و برای آنها مدارهایی که در

مشرقها و مغربها و نیز طلوع گاهها

فَلَكًا وَمَسَابِحَ ، وَقَدَرَتِهَا فِي السَّمَاءِ مَنَازِلَ فَاحْسَنَتِ

پس چه نیکو

و برای آنها در آسمان منزلگاههایی مقرر فرمودی،

آنها شناورند قرار دادی

تَقْدِيرَهَا، وَصَوَرَتِهَا فَأَحْسَنَتْ تَصْوِيرَهَا، وَأَحْصَيْتِهَا بِاسْمَائِكَ

و بانهایت

و صورتگری کردی

تقدير نمودی

إِحْصَاءً ، وَدَبَرَتِهَا بِحِكْمَتِكَ تَدْبِيرًا وَأَحْسَنَتْ (فَاحْسَنَتْ)

شایسته و چه نیکو

در خور و به حکمت تدبیر نمودی تدبیری

آنها بر شمردی شمردنی

تَدْبِيرَهَا ، وَسَخْرَتِهَا بِسُلْطَانِ اللَّيْلِ ، وَسُلْطَانِ النَّهَارِ

و ساعات بر آنها

شب و روز

و با تسلط بخشیدن

تدبیر کر دی

وَالسَّاعَاتِ، وَعَدَدِ السِّنِينَ وَالْحِسَابِ ، وَجَعَلَتِ رُؤْيَتَهَا

و دیدن آنها برای

و ثبت حساب را شناساندی،

شمارش سالها

لِجَمِيعِ النَّاسِ مَرَءًا وَاحِدًا؛ وَأَسَالَكَ اللَّهُمَّ إِبْرَاجِكَ ، الَّذِي

و خدایا از تو می خواهم به عظمت که با آن

یکسان نمودی،

همه مردم

كَلَمَتَ بِهِ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ، مُوسَى بْنَ عِمَرَانَ عَلَيْهِ

موسی بن عمران (درود)

و فرستادهات

بنده

دُعَائِيْ هَمَات

السَّلَامُ فِي الْمُقَدَّسِينَ ، فَوَقَ اِحْسَاسِ الْكَرُوبِيَّينَ ،

کَرُوبِیان،

بر تراز احساس

بر او) در میان قدسیان،

فَوَقَ غَمَائِمِ النُّورِ ، فَوَقَ تَابُوتِ الشَّهَادَةِ فِي عَمُودِ النَّارِ ،

بر فراز تابوت شهادت،

سَاحِبَاهای نور،

فراتر از

وَ فِي طُورِ سَيْنَاءَ ، وَ فِي (إِلَى) جَبَلِ حُورِيَّثِ فِي الْوَادِيِّ

در وادی

وَدَرْ كوه حوریث،

وَدَر طور سینا،

در عمودی از آتش،

الْمُقَدَّسِ ، فِي الْبَقِعَةِ الْمُبَارَكَةِ ، مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيَّمِنِ مِنْ

از دل

از جانب راست کوه طور،

در بقعه با برکت

قدس،

الشَّجَرَةِ ، وَ فِي أَرْضِ مِصَرَّ بِتَسْعِ آيَاتٍ بَيْنَاتٍ ، وَ يَوْمَ فَرَقَتْ

وروزی که دریا را برای

بانه معجزه آشکار

در رخت و در زمین مصر،

لِبْنَى إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ ، وَ فِي الْمُنْبَجِسَاتِ الَّتِي صَنَعَتْ بَهَا

جوشنده که با آن

وَدَر چشمدهای

بني اسرائیل شکافته،

الْعَجَابِ ، فِي بَحْرِ سُوفٍ ، وَ عَقَدَتْ مَاءُ الْبَحْرِ فِي قَلْبِ

بر ساختی و آب دریا را در دل گرداب

شگفتیهایی در دریای سوف

الْغَمَرِ الْحِجَارَةِ ، وَ جَاؤَزَتْ بَيْنَى إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ ، وَ نَمَتْ

خشکی رساندی و وعده

و بنی اسرائیل را از دریا به

همانند سنگ سخت بستی

كَلِمَتُكَ الْخُسْنَى عَلَيْهِمْ بِمَا صَبَرُوا ، وَ أَوْرَثَتُمْ مَشَارِقَ

و آنان راوارث مشارق

به خاطر آنکه شکیبائی ورزیدند

نیکویت بر آنان کامل گشت

الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا ، الَّتِي بَارَكَتْ فِيهَا لِلْعَالَمَيْنَ ، وَ أَغْرَقَتْ فِرْعَوْنَ

و مغارب زمینی که

در آن جهانیان را برکت دادی نمودی

و سپاهیان و مرکبها یش را

وَ جُنُودُهُ وَ مَرَاكِبَهُ فِي الْيَمِّ ؛ وَ بِسِمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ

آن نام بزرگتر،

در دریا غرق کردی و به نام بزرگت،

و سپاهیان و مرکبها یش را

[الْأَعْظَمِ] ، الْأَعْنَى الْأَجَلُ الْأَكْرَمُ ، وَ مَجِدُكَ الَّذِي تَجَلَّيَتْ بِهِ

و به بزرگی ات که با آن بر

گرامی تر،

با شکوه تر،

لِمُوسَى كَلِيمَكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فِي طُورِ سَيْنَاءَ ، وَ لِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ

ونیز برای ابراهیم (درود

در طور سینا جلوه کردی

موسی کلیمت (درود بر او)

دُعَائِيْ سَهَّات

السَّلَامُ، خَلِيلَكَ مِنْ قَبْلٍ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ، وَلَا سَحَاقَ صَفِّيْكَ

و برای اسحاق برگزیدهات

در مسجد خیف

بر او) خلیلت پیش از آن

عَلَيْهِ السَّلَامُ، فِي بَئْرِ شِيعَ (سَبْعَ)، وَلَيَعْقُوبَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ

و برای یعقوب (درود بر او)

در چاه شیع

(درود بر او)

السَّلَامُ، فَبَيْتِ اِيلٍ، وَأَوْفَيَتَ لِابْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

برای ابراهیم (درود بر او)

ووفا کردی به پیمانت

پیامرت در بیت ایل

بِيَثَاقِلَكَ، وَلَا سَحَاقَ بِحَلْفِكَ، وَلَيَعْقُوبَ بِشَهَادَتِكَ، وَلِمُؤْمِنِينَ

برای اسحاق و به شهادت

برای اهل ایمان

و به سوگندت

بِوَعِدِكَ، وَلِلَّدَاعِينَ بِاسْمَائِكَ فَاجْبَتَ، وَبِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ

و به بزرگی ات که برای

به

نامهایت که اجابت شان کردی

و برای دعاخوانان

لَمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، عَلَى قُبَّةِ الرُّمَانِ (الْزَّمَانِ)،

در قبه رمان نمایان شد،

(درود بر او)

موسی بن عمران

وَبِآيَاتِكَ الَّتِي وَقَعَتْ عَلَى أَرْضِ مِصْرَ، بِمَجْدِ الْعِرَّةِ وَالْغَلَبةِ،

به بزرگواری عزت و غلبهات واقع شد،

که در زمین مصر،

و به نشانه های

بِآيَاتِ عَزِيزَةٍ، وَبِسُلطَانِ الْقُوَّةِ، وَبِعِزَّةِ الْقُدْرَةِ، وَبِشَاءِنِ

و در سایه قدرت پرشکوهت، به مقام

حاکمیت نیرومند

با نشانه های تحسین برانگیز

الْكَامِمَةِ التَّامَّةِ، وَبِكَلِمَاتِكَ الَّتِي تَفَضَّلَتْ بِهَا عَلَى أَهْلِ

که با آن بر اهل

و کلماتی

کلمه تامه،

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَأَهْلِ الدُّنْيَا وَ[أَهْلِ] الْآخِرَةِ، وَبِرَحْمَتِكَ

و آخرت عطا و بخشش نمودی و به رحمت

واهل دنیا

آسمانها وزمین

الَّتِي مَنَّتْ بِهَا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَبِإِسْتِطَاعَتِكَ الَّتِي

و به توانایی ات

بخشن کردی،

همه آفرید گانت

که با آن بر

أَقْمَتَ بِهَا [عَلَى] الْعَالَمَيْنَ، وَبِنُورِكَ الَّذِي قَدْ خَرَّ مِنْ فَرَعَهِ

و به نورت که از هراسش

را برپا داشتی،

که با آن جهانیان

طُورُ سَيْنَاءَ، وَبِعِلْمِكَ وَجَلَالِكَ وَكِبْرِيَائِكَ وَعَزْتِكَ،

وعزت

بر خاک افتاد

و به دانش

و شکوه و بزرگی

طور سینا

دُعَائِيْ هَمَات

وَجَبَرُوتَكَ الَّتِي لَمْ تَسْتَقِلَّهَا الْأَرْضُ ، وَانْخَفَضَتْ لَهَا

آن رانیاورده

که زمین تاب

وجبروت

السَّمَاوَاتُ ، وَانْزَحَرَ لَهَا الْعُمَقُ الْأَكْبَرُ ، وَرَكَدَتْ لَهَا الْبِحَارُ

زمین فروتنتر گشت و دریاها

و در برابر عمق فرورده

و آسمانها در برابر زانو زندن

وَالآَنْهَارُ ، وَخَضَعَتْ لَهَا الْجِبَالُ ، وَسَكَنَتْ لَهَا الْأَرْضُ بِمَنَاكِمِهَا ،

و کوهها فروتن شد و زمین با شانه هایش

از حرکت ایستاده

ونهرها در آستانش

وَاسْتَسَلَّمَتْ لَهَا الْخَلَائِقُ [كُلُّهَا] ، وَخَفَقَتْ لَهَا الرِّيَاحُ فِي

در برابر آن و بادها در

و تسليم شدند همه آفریدگان

آرام گشت.

جَرَيَانِهَا ، وَخَمَدَتْ لَهَا النَّيْرَانُ فِي أَوْطَانِهَا ، وَبِسُلْطَانِكَ الَّذِي

وزیدن خود در برابر پریشان گشتند، و آتشها به درگاهش در جایگاه خویش خاموش شدند و به فرمانروایی ات

عُرِفَتْ لَكَ بِهِ الْغَلَبةُ دَهَرَ الدُّهُورِ ، وَحُمِدَتْ بِهِ فِي السَّمَاوَاتِ

و با آن در آسمانها

به پیروزی شناخته شدی،

که با آن همواره

وَالْأَرْضِينَ ، وَبِكَلِمَتِكَ كَلِمَةُ الصِّدْقِ ، الَّتِي سَبَقَتْ لِأَبِينَا

که به کلمه ات کلمه صدقی

و به رحمت و بخشش برای پدرمان

و زمین ستوده گشتی،

آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَذُرْرَيْتَهُ بِالرَّحْمَةِ؛ وَأَسَأْلُكَ بِكَلِمَتِكَ الَّتِي

واز تو خواستارم به کلمه ات

ونسلش پیشی گرفت،

آدم (درود بر او)

غَلَبَتْ كُلَّ شَيْءٍ ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي تَجَلَّيَتْ بِهِ لِلْجَبَلِ ،

که با آن بر کوه تجلی نمودی

و به نور جلوه ات

که بر هر چیز چیره گشت

فَعَلَتْهُ دَكَّا ، وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا ، وَمَجَدِكَ الَّذِي ظَهَرَ عَلَى

و به بلندی جاهت که بر

و موسی مدهوش در افتاد

وان رافو پاشیدی،

طُورِ سِينَاءَ ، فَكَلَمَتَ بِهِ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ مُوسَى بْنَ

موسی بن

پس با آن، سخن گفتی با بند و رسولت

طور سینمايان شد،

عِمَرَانَ ، وَبِطَلَعَتِكَ فِي سَاعِيرَ ، وَظَهَورِكَ فِي جَبَلِ فَارَانَ ،

عمران و به پرتو فروزان در ساعیر آکوهی در حجاز و ظهور

بِرَوَاتِ الْمُقَدَّسِينَ ، وَجُنُودِ الْمَلَائِكَةِ الصَّافِينَ ، وَخُشُوعِ

از فرشتگان، و خشوع

و با سپاهیان صف کشیده

پیامبر ا در جایگاه بلند قدسیان

دُعَائِيْ هَمَات

الملائِكَةِ الْمُسَبِّحِينَ ، وَبِرَّ كَاتِكَ الَّتِي بَارَكَتْ فِيهَا عَلَى إِبْرَاهِيمَ

بر ابراهیم

که بدانها

و به بر کات

فرشتگان تسبیح کننده،

خَلِيلَكَ عَلَيْهِ السَّلامُ ، فِي أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ،

در امت محمد (درود خدا بر او و خاندانش)

که بدانها

و به بر کات

وَبَارَكَتْ لِإِسْحَاقَ ، صَفِيفِيلَكَ فِي أُمَّةٍ عِيسَى عَلَيْهِمَا السَّلامُ ،

(درود بر آن دو)

در امت عیسی

و بر اسحاق برگزیدهات

وَبَارَكَتْ لِيَعْقُوبَ ، إِسْرَائِيلَكَ فِي أُمَّةٍ مُوسَى عَلَيْهِمَا السَّلامُ ،

(درود بر آن دو)

اسرائیل در امت موسی

و بر یعقوب

وَبَارَكَتْ لِحَبِيبَكَ مُحَمَّدٍ ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فِي عِترَتِهِ

و فرزندانش و امتش

در عترت

و بر محظوظ خویش محمد (درود خدا بر او و خاندانش)

وَذُرْرِيَّتِهِ [وَأَمْتِهِ] . اللَّهُمَّ وَكَمَا غَبَنَا عَنْ ذَلِكَ وَلَمْ نَشَهَدْهُ ،

برکت نهادی. خدایا و چنان که از آن رخدادها بدور بودیم و به آنها در حالی که ندیدیم

وَآمَنَّا بِهِ وَلَمْ نَرَهُ صِدَقاً وَعَدْلًا ، آنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

ایمان آوردم،

ایمان از روی راستی و درستی،

ایمان آوردم،

مُحَمَّدٍ ، وَآنْ تُبَارِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَتَرَحَّمَ عَلَى مُحَمَّدٍ

و بر محمد

و بر محمد و خاندان محمد برکت دهی

محمد درود فرستی

وَآلِ مُحَمَّدٍ ، كَافَضَلِ ما صَلَّيَتْ وَبَارَكَتْ وَتَرَحَّمَتْ ، عَلَى إِبْرَاهِيمَ

و خاندان محمد بسیار

مهر ورزی همچون بهترین درود

و برکت و رحمتی که بر ابراهیم

وَآلِ إِبْرَاهِيمَ ؛ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ ، فَعَالٌ لِمَا تُرِيدُ ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ

هر چه را بخواهی انجام می دهی و تو بر هر

تو ستد وه والا بی،

و خاندان ابراهیم فرستادی،

شَيْءٌ قَدِيرٌ (شَهِيدٌ) . پس حاجت خود را ذکر می کنی

چیز توانایی:

وَ مَنْ كَوَيْيٰ : اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ ، وَبِحَقِّ هُذِهِ الْأَسْمَاءِ ، الَّتِي

و به حق این نامهایی

به حق این دعا

خدایا

لَا يَعْلَمُ تَفْسِيرَهَا وَلَا يَعْلَمُ بِاطِنَهَا غَيْرُكَ ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

بر محمد و خاندان محمد

جز تو کسی نمی داند،

که تفسیر و باطن آنها را

دُعَائِي سُمَات

مُحَمَّدٌ، وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ،

نه آنچه رامن سزاوارم که شایسته توست، درود فرست و با من چنان کن

وَاغْفِرْ لِي مِنْ ذُنُوبِي، مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا وَمَا تَأَخَّرَ، وَوَسِعْ عَلَّقَ

و بر من وسعت بخش و آنچه را خواهد آید بیامز، واز گناهانم آنچه را گذشته

مِنْ حَلَالِ رِزْقِكَ، وَأَكِفِنِي مَؤْوِنَةً إِنْسَانِ سَوِّيِّ، وَجَارِ سَوِّيِّ،

وهمسایه بد و مرآز رنج انسان بد از روزی حلالت

وَقَرِينِ سَوِّيِّ، وَسُلْطَانِ سَوِّيِّ؛ إِنَّكَ عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ، وَبِكُلِّ

همانا تو بر هر چه بخواهی توانایی و به همه و همنشین بد

شَيْءٍ عَلِيمٌ . آمِينَ رَبَّ الْعَالَمَيْنَ . مؤلف گوید: در بعضی

چیز دانایی، دعایم را جابت کن ای پروردگار جهانیان

نَسْخَهُهَا پَسْ اَزْ؛ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ آمِدَهُ: هر حاجت که

تو بر هر چیز توانایی

دَارِي ذَكْرَ كَنْ وَ بَغْوَ: يَا أَللَّهُ، يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ، يَا بَدِيعَ

ای خدا، ای بسیار مهریان، ای بخشایشگر، ای پدید آورنده

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، يَا ذَالْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا أَرَحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ای مهریان ترین مهریان، ای دارنده هیبت و شکوه و زمین، آسمانها

اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ... تَآخِرَ آنْچه گذشت. وَ عَلَامَهُ مَجْلِسِي

خدایا! به حق این دعا...

از کتاب «مصباح» سید ابن باقی نقل کرده که بعد از دعای

سمات این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ، وَبِحَقِّ هُذِهِ الْأَسْمَاءِ، الَّتِي لَا يَعْلَمُ

که نه و به حق این نامهایی خدایا! به حق این دعا

تَفْسِيرَهَا وَلَا تَأْوِيلَهَا، وَلَا بَاطِنَهَا وَلَا ظَاهِرَهَا غَيْرُكَ، أَنَّ

و ظاهرش را کسی جز تونمی داند، و نه باطن تفسیر و تأویلش

دُعَائِي هَمَات

تُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَن تَرْزُقَنِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالآخِرَة.

از تو خواستارم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و خیر دنیا و آخرت را روزی ام گردانی.

پس حاجات خود را بخواهد و بگوید: وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ

با من آنچه شایسته تو است

أَهْلُهُ، وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، وَانْتَقِمْ لِي مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ.

آنچه سزاوار من است وانتقام مرا از فلان فرزند فلان بگیر انجام ده نه

وَنَامْ دَشْمَنْ رَا بَغْوَيْد، سَبِّسْ بَغْوَيْد: وَاغْفِرْ لِي مِنْ ذُنُوبِي، مَا

گناهانم را آنچه بوده و آنچه

تَقَدَّمَ مِنْهَا وَمَا تَأْخَرَ، وَلِوَالِدَيَ وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ،

خواهد بود بیامز و زنان بایمان را و همه مردان و پدر و مادرم

وَوَسِعَ عَلَيَّ مِنْ حَلَالِ رِزْقِكَ، وَأَكْفِنِي مَؤْونَةً إِنْسَانِ سَوَءٍ،

مشمول آمرزشت قرار داده و بر من از روزی حلالت و سمعت عنایت کن و مرا از شرانسان بد

وَجَارِ سَوَءٍ، وَسُلْطَانِ سَوَءٍ، وَقَرِينِ سَوَءٍ، وَيَوْمَ سَوَءٍ،

و همسایه بد و روز بد و پادشاه بد و همنشین بد

وَسَاعَةٌ سَوَءٌ، وَانْتَقِمْ لِي مَنْ يَكِيدُنِي، وَمَنْ يَبْغِي عَلَيَّ، وَيُرِيدُ

و ساعت بد کفایت فرما و از کسی که بر من حیله میورزد و بر من ستم می کند انتقام بگیر و هم انتقام بگیر

بِي وَبِإِهْلِي وَأَوْلَادِي، وَإِخْوَانِي وَجِيرَانِي، وَقَرَابَاتِي مِنَ

از آن که بخواهد بر من و خانواده ام و همسایگانم و نزدیکانم و فرزندانم و برادرانم

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ظُلْمًا؛ إِنَّكَ عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ، وَبِكُلِّ

از مردان و زنان بایمان ستم روا کنند، همانا تو بر آنچه بخواهی توانایی و به هر

شَيْءٌ عَلِيمٌ. آمِنَ رَبَّ الْعَالَمَيْنَ. بَعْدَ بَغْوَيْد: اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا

چیز دنایی، دعایم را جابت کن ای پروردگار جهانیان خدایا! به حق این

الدُّعَاءِ، تَفَضَّلْ عَلَى فُقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، بِالْغِنَى

دعا بر تهمیدستان از مردان و زنان بایمان تو انگری

وَالثِّرَوَةِ، وَ عَلَى مَرْضَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، بِالشِّفَاءِ

و ثروت عطا فرما از مردان و زنان بهبودی و بر بیماران اهل ایمان

دُعَائِي شُلُول

وَالصِّحَّةِ، وَ عَلٰى أَحْيَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، بِاللَّطْفِ

در قید حیات بالطف

و بر مؤمنین و مؤمنات

و تندرستی ببخش

وَالْكَرَامَةِ، وَ عَلٰى أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ،

از دنیارفته با

و مؤمنات

و بر مؤمنین

و کرامت

بِالْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ، وَ عَلٰى مُسَاافِرِي الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ،

و مؤمنات سفر کرده

و بر مؤمنین

آمرزش و رحمت،

بِالرَّدِّ إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ؛ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرَحَمَ الرَّاحِمِينَ؛

با برگشت به وطنها خویش در لباس سلامت و بهرمندی عنایت فرما،

به رحمت ای مهربان ترین مهربانان

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّنَ، وَعِتَّرَتِهِ الطَّاهِرِينَ،

و درود خدا بر سور

ما محمد پایانبخش پیامبران

وَسَلَّمَ تَسْلِيًّا كَثِيرًا. ابن فهد حلی فرموده است: پس از

و هم سلام بسیار خدا بر ایشان

دُعَائِي سَمَاتِ مَسْتَحْبٍ اسْتَبْغُوْيِي: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ

خدایا! از تو درخواست می کنم به احترام

هَذَا الدُّعَاءِ، وَمَا فَاتَ مِنْهُ مِنَ الْأَسْمَاءِ، وَمَا يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ مِنْ

اوین دعا و به آنچه

از نامهایت که در آن نیامده

الْتَّفْسِيرِ وَالتَّدْبِيرِ، الَّذِي لَا يُحِيطُ بِهِ إِلَّا أَنْتَ، أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا

که با من چنین

که جز تو کسی بر آن احاطه ندارد،

تفسیر و تدبیری

وَكَذَا. وَ بِجَائِي (كَذَا وَكَذَا) حَاجَتْ خَوْدَ رَا بِخَوَاهِدِ.

و چنان کنی.

دُعَائِي شُلُول

موسوم به دعای «الشاب المأخوذ بذنبه» [یعنی: جوانی که به

سبب گناهش گرفتار عذاب حق شده]

دُعَامِي شَلْوَل

این دعا از کتابهای کفعمی و «مهج الدعوات» نقل شده، و دعایی است که آن را امیرالمؤمنین علی‌الله‌بْن‌ابی‌طالبؑ به جوانی که به خاطر گناه و ستم در حق پدرش شل شده بود آموزش داد، جوان این دعا را خواند و حضرت رسول ﷺ را در خواب دید که دست مبارکش را بر اندام او کشیده و فرمود: بر اسم اعظم خدا محافظت کن که کار تو به خیر خواهد بود، پس بیدار شد در حالی که سالم شده بود و آن دعا این است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسأَلُكَ بِاسْمِكَ، بِسَمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا ذَالْجَلَلِ

خدا! از تو خواستارم به نامت، به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است، ای دارای بزرگی

وَالإِكْرَامِ، يَا حَنْيٌ يَا قَيْوُمُ، يَا حَنْيٌ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، يَا هُوَ، يَا مَنْ

و بزرگواری، ای زنده ای همیشه پاینده، ای او، ای آن که کسی

لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ، وَلَا كَيْفَ هُوَ، وَلَا أَيْنَ هُوَ، وَلَا حَيْثُ هُوَ إِلَّا

نمی‌داند او چیست و نمی‌داند او چگونه است، و نمی‌داند در کدام سو است.

هُوَ؛ يَا ذَالْمَلَكِ وَالْمَلَكُوتِ، يَا ذَالْعِزَّةِ وَالْجَبَرُوتِ، يَا مَلِكُ

ای دارای فرمانروایی و ملکوت، ای صاحب عزت و جبروت، ای فرمانرو،

يَا قُدُّوسُ، يَا سَلَامُ يَا مُؤْمِنُ، يَا مُهَمِّمِنُ يَا عَزِيزُ، يَا جَبَّارُ

ای منزه از هر عیب، ای سلام، ای ایمنی بخش، ای پرشکوه، ای عزتمند، ای دارنده قهر،

يَا مُتَكَبِّرُ، يَا خَالِقُ يَا بَارِئُ، يَا مُصَوِّرُ يَا مُفِيدُ، يَا مُدَبِّرُ يَا شَدِيدُ،

ای بزرگمنش، ای آفریننده، ای پدیدآورنده، ای صورتگر، ای سودبخش ای تدبیر کننده، ای محکم کار،

يَا مُبِدِئُ يَا مُعِيدُ، يَا مُبَيِّدُ يَا وَدُودُ، يَا مَحْمُودُ يَا مَعْبُودُ،

ای آغازگر، ای برگشتدهنده، ای نابود کننده ستمگران، ای دوست نیکان، ای پرسنلیده، ای ستوده، ای پرسنلیده،

دُعَائِي مُشْدُل

يَا بَعِيدُ يَا قَرِيبُ، يَا مُجِيبُ يَا رَقِيبُ، يَا حَسِيبُ يَا بَدِيعُ، يَا رَفِيعُ

ای اجابت کننده، ای دیده بان، ای حسابرس، ای نوآفرین، ای بلندمرتبه،
ای دور از هر چیز، ای نزدیک به هر چیز،

يَا مَنِيعُ، يَا سَمِيعُ يَا عَلِيمُ، يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ، يَا حَكِيمُ يَا قَدِيمُ

ای ارجمند، ای شنوای دانه،
ای بردبار، ای بزرگوار، ای فرزانه، ای دیرینه،

يَا عَلِيٌّ يَا عَظِيمُ، يَا حَنَانُ يَا مَنَانُ، يَا دَيَانُ يَا مُسْتَعَانُ، يَا جَلِيلُ

ای عطابخش، ای جزاده، ای باری کننده، ای با جلالت،
ای والا، ای بزرگ، ای پرمهر،

يَا جَمِيلُ، يَا وَكِيلُ يَا كَفِيلُ، يَا مُقِيلُ يَا مُنِيلُ، يَا نَبِيلُ يَا دَلِيلُ

ای کفایت کننده، ای بخشندۀ لغزش، ای رساننده نعمت، ای شریف،
ای زیبا، ای کارگزار،

يَا هَادِي يَا بَادِي، يَا أَوَّلُ يَا آخِرُ، يَا ظَاهِرُ يَا باطِنُ، يَا قَائِمُ يَا دَاعِمُ

ای رهنما، ای هدایت‌گر، ای آغازگر، ای اول، ای آخر،
ای آشکار، ای پنهان، ای استوار، ای پایدار،

يَا عَالَمُ يَا حَاكِمُ، يَا قاضِي يَا عَادِلُ، يَا فاصِلُ يَا وَاصِلُ، يَا طَاهِرُ

ای آگاه، ای حکمران، ای داور،
ای دادگر، ای جدا کننده، ای پیونددۀ هنده، ای پاک،

يَا مُطَهِّرُ، يَا قَادِرُ يَا مُقْتَدِرُ، يَا كَبِيرُ يَا مُتَكَبِّرُ، يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ

ای پاک کننده، ای توانا،
ای نیرومند، ای بزرگمنش، ای یگانه، ای یکتا،

يَا صَمَدُ، يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدُ،

ای مقصود دل نیازمندان، ای آن که نژاده و زاده نشده،
و همتایی ندارد

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ صَاحِبَةٌ، وَلَا كَانَ مَعَهُ وَزِيرٌ، وَلَا اتَّخَذَ مَعَهُ مُشَيرًا

و وزیری با او نبوده
و همسری برایش نباشد

وَلَا احْتَاجَ إِلَى ظَهِيرٍ، وَلَا كَانَ مَعَهُ مِنِ إِلَهٍ غَيْرُهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا

نیازمند نگشته
و با او جزاً او معبودی نبوده است،
و با او جزاً او معبودی نبوده است،

أَنَّتَ، فَتَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا كَبِيرًّا؛ يَا عَلِيٌّ يَا شَامِخُ

تو، تو برتراز آنی
که ستمکاران گویند سیار برتری،
ای والا ای بلندمرتبه،

يَا بَاذْخُ، يَا فَتَّاخُ يَا نَفَّاخُ، يَا مُرْتَاحُ يَا مُفَرِّجُ، يَا نَاصِرُ يَا مُنْتَصِرُ،

ای عطابخش، ای گشایشگر، ای بخشایشگر،
ای فرج بخش دلهای، ای غم‌داد، ای باری رسان، ای باری ستان،

يَا مُدِرِكُ يَا مُهْلِكُ يَا مُنْتَقِمُ، يَا بَاعِثُ يَا وَارِثُ، يَا طَالِبُ

ای دریابنده، ای نایود کننده،
ای وارث، ای برانگیزندۀ، ای انتقام گیرنده،
ای خواهان،

دُعَامِي شَلْوَل

يا غالِبُ ، يا مَن لا يَفْوُتُه هارِبُ ، يا تَوَابُ يا أَوَابُ يا وَهَابُ ،

ای چبره، ای که گریزنهای از دستش نگریزد، ای بسیار توبه پذیر، ای بسیار پذیرای بندگان، ای بسیار بخشندۀ،

يا مُسَبِّبَ الأَسْبَابِ ، يا مُفَتَّحَ الْأَبْوَابِ ، يا مَن حَيْثُ مَا دُعِيَ

ای آن که هرگاه و هرجا خوانده شود، ای گشاینده درها، ای فراهم آورنده سببها،

أَجَابَ ، يا طَهُورٌ يا شَكُورٌ ، يا عَفْوٌ يا غَفُورٌ ، يا نورَ النُّورِ ،

ای قدردان صالحان ای با گذشت، ای امروزنه، ای روشنایی نور، ای اجبات نماید، ای پاک کننده،

يا مُدَبِّرُ الْأُمُورِ ، يا لَطِيفٌ يا خَبِيرٌ ، يا مُجِيرٌ يا مُنِيرٌ ، يا بَصِيرٌ

ای مدبیر امور، ای مهریان، ای آگاه، ای پناهدهنده، ای روشنی بخش، ای بینا، ای مدبر امور، ای مهریان،

يا ظَهِيرٌ يا كَبِيرٌ ، يا وِتْرٌ يا فَرَدٌ يا أَبَدُ ، يا سَنَدُ يا صَمَدُ ، يا كَافِي

ای مددسان ای بزرگ، ای یکتا، ای بی نیاز، ای کفایت کننده، ای بیگانه، ای پاینده، ای تکیه گاه،

يَاشَافِي ، يا وَافِي يا مُعَافِي ، يا مُحْسِنٌ يا مُجْمِلٌ ، يا مُنْعِمٌ يا مُفْضِلٌ ،

ای شفابخش، ای وفا کننده، ای عاقیت بخش، ای نیکوکار، ای زیبایی بخش، ای فزون بخش، ای نعمت افراد، ای فرمانروایی اش توانا شد،

يَا مُتَكَرِّمٌ يا مُتَفَرِّدٌ ، يا مَن عَلَا فَقَهَرَ ، يا مَن مَلَكَ فَقَدَرَ ،

ای گرامی، ای بی همتا، ای آن که در فرمانروایی اش توانا شد، ای آن که بلندی گرفت و چیره گشت،

يَا مَن بَطَنَ فَخَبَرَ ، يا مَن عُبِدَ فَشَكَرَ ، يا مَن عُصِيَ فَغَفَرَ ،

ای آن که پنهان شد و آگاه گشت، ای آن که نافرمانی شد و آمرزید،

يَا مَن لَا تَحْوِيهِ الْفِكْرُ ، وَلَا يُدْرِكُهُ بَصَرُ ، وَلَا يَخْفِي عَلَيْهِ أَثْرُ ،

ای آن که اندیشه نگنجاییدش، و دیدهای او را در نیابد، و اثرب بر او پوشیده نماند،

يَا رَازِقَ الْبَشَرِ ، يا مُقَدِّرَ كُلِّ قَدَرٍ ، يا عَالِيَ المَكَانِ ، يا شَدِيدَ

ای روزی دهنده بشر، ای استوار، ای اندازه گیر هر اندازه، ای والا جاه،

الْأَرْكَانِ ، يا مُبَدِّلَ الزَّمَانِ ، يا قَابِلَ الْقُرْبَانِ ، يا ذَالِّمَنِ

ای گرداننده روزگار، ای پذیرنده قربانی، ای منتگذار، پایه،

وَالإِحْسَانِ ، يا ذَالْعَزَّةِ وَالسُّلْطَانِ ، يا رَحِيمٌ يا رَحْمَنُ ، يا مَن هُوَ

نیکوکار، ای دارای شکوه و سلطنت، ای مهریان، ای بخشندۀ، ای کسی که

كُلَّ يَوْمٍ فِي شَاءِنِ ، يا مَن لَا يَشْغَلُهُ شَاءُونَ عَنْ شَاءِنِ ، يا عَظِيمَ

ای بلندرتبه، ای آن که کاری از کار دیگر بازش ندارد، هر روز در کاری است،

دُعَائِي مُشْدُل

الشَّأْنِ ، يَا مَنْ هُوَ بِكُلِّ مَكَانٍ ، يَا سَامِعَ الْأَصْوَاتِ ، يَا مُجِيبَ

ای آن که در هر جا هست،
ای شنوونده نجواها،

ای اجابت کننده،

الدَّعَواتِ ، يَا مُنْجِحَ الطَّلَبَاتِ ، يَا قاضِي الْحَاجَاتِ ، يَا مُنْزِلَ

اعمالها،
ای فروفرستنده خواستهها

و نیازها،

ای برآورنده کننده،

برکات،

البَرَكَاتِ ، يَا رَاحِمَ الْعَبَراتِ ، يَا مُقْيِلَ الْعَثَراتِ ، يَا كَاشِفَ

ای درگذرنده از لغزشها،
ای برطرف کننده،

برکات،

الكُرُبَاتِ ، يَا وَلِيَ الْحَسَنَاتِ ، يَا رَافِعَ الدَّرَجَاتِ ، يَا مُؤْتَيَ

ناراحتیها،
ای سرچشم خوبیها،

ای دهنده،

ای سرچشم خوبیها،
ای زنده کننده مردگان،

خواستهها،

النَّيَّاتِ ، يَا رَادَّ مَا قَدْ فَاتَ ، يَا مَنْ لَا تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ ،

ای کسی که نجواها بر او مشتبه نشود،
ای برگرداننده آنچه از دست رفته،

نیتیها،

وَالسَّمَاوَاتِ ، يَا سَابِعَ التِّعَمِ ، يَا دَافِعَ التِّقَمِ ، يَا بَارِئَ النَّسَمِ ،

ای فروریز نعمتها،
ای آفریننده آدمیان،

و آسمانها،

يَا جَامِعَ الْأُمَمِ ، يَا شَافِيَ السَّقَمِ ، يَا خَالِقَ النُّورِ وَالظُّلْمِ ،

ای پدیدآورنده روشنی و تاریکیها،
ای شفابخش دردها،

ای گردآورنده امتها،

يَا ذَالْجُودِ وَالكَّرَمِ ، يَا مَنْ لَا يَطُأُ عَرْشَهُ قَدَمُ ، يَا أَجَوَدَ

ای صاحب جود و کرم،
ای بخشندۀ ترین

ای آن که به عرشش قدمی پای ننهد،

ای بخشندگان،

الْأَجَوَدِينَ ، يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ ، يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ ، يَا أَبْصَرَ

ای بینانترین،
ای کریم‌ترین کریمان،

ای بخشندگان،

النَّاظِرِينَ ، يَا جَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ ، يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ ، يَا ظَهَرَ

ای بنیابان،
ای پناه پناه‌جویان،

ای تکیه‌گاه،
ای امن هراسنکان،

بنیابان،

اللَّاجِينَ ، يَا وَلِيَ الْمُؤْمِنِينَ ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغْيَثِينَ ، يَا غَايَةَ

پناهندگان ای سرپرست مؤمنان،
ای مقصد

دُعَامِي شَلْوَل

الظَّالِبِينَ ، يا صَاحِبَ كُلِّ غَرَبٍ ، يا مُونِسَ كُلِّ وَحِيدٍ ، يا مَلْجَأً

دل نیازمندان، ای پناه ای کس هر بی کس، ای همدم هر تنها،

كُلِّ طَرِيدٍ ، يا مَأْوَى كُلِّ شَرِيدٍ ، يا حَافِظَ كُلِّ ضَالَّةٍ ، يا رَاحِمَ

هر رانده، ای مهوروز ای نگهدار هر آواره، ای مأواه هر آواره،

الشَّيخُ الْكَبِيرُ ، يا رَازِقُ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ ، يا جَابِرُ الْعَظِيمِ

سالخُورَدَگان، ای روزی دهنده کودکان خردسال، ای ترمیم کننده استخوان

الْكَسِيرُ ، يا فَالَّكَ كُلِّ أَسِيرٍ ، يا مُغْنَى الْبَائِسِ الْفَقِيرِ ، يا عِصَمَةً

شکسته، ای رهاننده هر اسیر ای بی نیاز کننده هر بینوای تهیدست، ای پناه

الْخَافِفُ الْمُسْتَجِيرُ ، يا مَنْ لَهُ التَّدْبِيرُ وَالتَّقْدِيرُ ، يا مَنْ الْعَسِيرُ

هر ترسان پناه جو، ای آن که دشواریها ای آن که تدبیر و تقدیر از آن اوست،

عَلَيْهِ سَهْلٌ يَسِيرٌ ، يا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى تَفْسِيرٍ ، يا مَنْ هُوَ عَلَى كُلِّ

برای او سهل و آسان است، ای آن که نیازمند به دلیل و تفسیر نیست، ای آن که بر

شَيِّءٌ قَدِيرٌ ، يا مَنْ هُوَ بِكُلِّ شَيِّءٍ خَبِيرٌ ، يا مَنْ هُوَ بِكُلِّ شَيِّءٍ

هر کاری تواناست، ای آن که به هر چیزی دانست، ای آن که به همچیز

بَصِيرٌ ، يا مُرِسَلُ الرِّيَاحِ ، يا فَالِقُ الْإِصْبَاحِ ، يا بَاعِثُ الْأَرْوَاحِ ،

بیناست، ای فرستنده بادها، ای شکافنده روشنی صبح ای برانگیزندۀ ارواح،

يَا ذَالْجُودُ وَالسَّمَاحُ ، يا مَنْ بَيْدِهِ كُلُّ مِفْتَاحٍ ، يا سَامِعٌ كُلِّ

ای صاحب جود و بخشش، ای شنونده هر ای آن که هر کلیدی به دست اوست،

صَوْتٍ ، يا سَابِقٌ كُلِّ فَوْتٍ ، يا مُحْيِيٌ كُلِّ نَفْسٍ بَعْدَ الْمَوْتِ ،

نجوای پیشتر از هر آنچه گذشت، هر جان پس از مرگ، ای حیات بخش

يَا عُدَّتِي فِي شِدَّتِي ، يا حَافِظِي فِي غُرْبَتِي ، يا مُونِسِي فِي وَحدَتِي ،

ای توشه‌ام در سختی، ای نگهدارم در غربت، ای همدمم در تنها‌یی،

يَا وَلَيْسِي فِي نِعْمَتِي ، يا كَهْفِي حِينَ تُعَيِّنِي المَذَاهِبُ ، وَتَسْلِيمِي

ای سرپرستم در نعمت، ای پناه آنگاه که وشهای ناهنجار درماندهام سارد و نزدیکان

الْأَقَارِبُ ، وَيَخْذُلُنِي كُلِّ صَاحِبٍ ، يا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ ،

رهایم کنند، ای تکیه‌گاه آن که تکیه‌گاهی ندارد، و هر همدمی دست از باری ام بردارد،

دُعَائِي شُلُول

يَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ ، يَا ذُخْرَ مَنْ لَا ذُخَرَ لَهُ ، يَا حِرْزَ مَنْ

اَى نَگَھَدار آن اَى اندوخته هر بَی اندوخته، اَى پشت و پناهی ندارد

لَا حِرْزَ لَهُ ، يَا كَهْفَ مَنْ لَا كَهْفَ لَهُ ، يَا كَنْزَ مَنْ لَا كَنْزَ لَهُ ،

کَهْنَگَهْداری ندارد، اَى گنجینه کسی که برایش گنج نیست

يَا رُكْنَ مَنْ لَا رُكْنَ لَهُ ، يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ ، يَا جَارَ مَنْ

اَی فریادرس آن که برایش فریادرسی نیست، اَی همسایه

لَا جَارَ لَهُ ، يَا جَارَى اللَّصِيقَ ، يَا رُكْنَى الْوَثِيقَ ، يَا إِلَهِ

بَى همسایگان، اَی همسایه همراه من اَی تکیه گاه محکم، اَی خدای

بِالْتَّحْقِيقِ ، يَا رَبَّ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ ، يَا شَفِيقُ يَا رَفِيقُ ، فُكَنْ

من به حقیقت، رهایم کن اَی پروردگار خانه کعبه، اَی مهریان ای دوست،

مِنْ حَلْقِ الْمُضِيقِ ، وَ اَصْرِفْ عَنِّي كُلَّ هَمٍّ وَ غَمٍّ وَ ضِيقٍ ،

از بندهای تنگنها، و تنگی را ز من برگردان

وَأَكْفِنِي شَرّ مَا لَا أُطِيقُ ، وَ أَعْنِي عَلَى مَا أُطِيقُ ، يَا رَادَّ يُوسُفَ

و شر آنچه راتب نیاورم اَی بازگردانده یوسف اَی من دور ساز و برآنچه می توانم یاری ام ۵۵

عَلَى يَعْقُوبَ ، يَا كَافِشَ حُضْرَ آيُوبَ ، يَا غَافِرَ ذَنْبِ دَاوُودَ ، يَا رَافِعَ

نَزدِ يعقوب، اَی برطرف کننده رنج آیوب، اَی آمرزنه خطای داود، اَی بالا برند

عِيسَى بْنِ مَرِيمَ ، وَ مُنْجِيَهُ مِنْ أَيْدِي الْيَهُودِ ، يَا مُجِيبَ نِداءِ

عیسی بن مریم اَی پاسخ دهنده به ندای

يُونُسُ فِي الظُّلُمَاتِ ، يَا مُصْطَفَى مُوسَى بِالْكَلِمَاتِ ، يَا مَنْ

یونس در دل تاریکیها اَی آن که برگزیننده موسی

غَفَرَ لِآدَمَ خَطِيئَتَهُ ، وَ رَفَعَ اِدْرِيسَ مَكَانًا عَلَيْا بِرَحْمَتِهِ ، يَا مَنْ

خطای آدم را بخشید به جایگاه بلندی برکشید، اَی آن

نَجَّى نُوحًا مِنَ الغَرَقِ ، يَا مَنْ أَهَلَكَ عَادًا الْأُولَى ، وَ ثَمُودَ فَمَا أَبْقَى ،

که نوح را از غرق شدن نجات بخشید، اَی آن که هلاک ساخت قوم عاد نخستین و قوم ثمود را هیچکس از آنان را بقا

وَقَوْمَ نُوحَ مِنْ قَبْلٍ ، إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَ أَطْغَى ، وَ الْمُؤْتَفَكَةَ

نگذاشت و پیش از آنها قوم نوح را هلاک نمود زیرا آنها ستمکارت و سرکش تر بودند و نابود ساخت افترازندگان را که